راهکارهای نهادینه‌سازی

خمس در رسانه ملی

صادق لیراوی

بسم الله الرحمن الرحیم

راهکارهای نهادینه سازی خمس در رسانه ملی

نویسنده:

صادق لیراوی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
راهکارهای نهادینه سازی خمس در رسانه ملی ----- ۹
مشخصات کتاب ----- ۹
فهرست مطالب ----- ۹
دیباچه ----- ۱۷
فصل اول: مفاهیم ----- ۱۸
اشاره ----- ۱۸
خمس ----- ۱۹
تعریف مالیات ----- ۱۹
تفاوت خمس با مالیات های دولتی۱ ----- ۲۰
تفاوت خمس با زکات ----- ۲۱
فصل دوم: خمس در قرآن ----- ۲۲
اشاره ----- ۲۲
تاریخ و شأن نزول ----- ۲۳
اشاره ----- ۲۳
۱. منظور از «ما غنمتم» چیست؟ ----- ۲۴
۲. منظور از «ذی القربی» کیست؟ ----- ۲۶
۳. یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان چه کسانی هستند؟ ----- ۲۷
۴. ایمان کامل منوط به انجام همه تکالیف است۱ ----- ۲۸
فصل سوم: خمس در روایتها ----- ۲۸
فصل چهارم: خمس از دیدگاه اهل سنت ----- ۳۱
اشاره ----- ۳۱
۱. منابع خمس ----- ۳۲
۲. موارد مصرف خمس ----- ۳۳

فصل پنجم: محورهای برنامه ای ---------- ۳۴
اشاره ---------- ۳۴
دلیل های واجب بودن خمس ---------- ۳۵
فلسفه و آثار خمس ---------- ۳۷
اشاره ---------- ۳۷
۱. آثار اجتماعی ---------- ۳۷
اشاره ---------- ۳۷
الف) گرامی داشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، اهل بیت علیهم السلام و خویشان آنها ---------- ۳۷
ب) پشتیبانی از حکومت اسلامی ---------- ۴۰
ج) تأسیس حوزه های علمیه ---------- ۴۱
د) رفع اختلاف طبقاتی ---------- ۴۲
ه) انجام کارهای دارای منفعت عمومی ---------- ۴۳
۲. آثار فردی ---------- ۴۴
اشاره ---------- ۴۴
الف) رشد معنوی ---------- ۴۴
ب) تزکیه اموال و کلید رزق ---------- ۴۵
ج) پاک شدن گناهان و ذخیره آخرت ---------- ۴۷
د) حفظ آبرو در برابر مخالفان ---------- ۴۷
ه) مشمول دعای امام شدن ---------- ۴۸
و) ایجاد نظم مالی ---------- ۴۸
ز) جلوگیری از تجمل در زندگی ---------- ۴۹
ح) عنایت های ویژه ---------- ۴۹
ط) ارتباط حقیقی با امام زمان[---------- ۴۹
پی آمدهای نپرداختن خمس ---------- ۴۹
منابع خمس ---------- ۵۱
اشاره ---------- ۵۱

۱. غنیمت ها ۵۱
۲. معادن ۵۲
۳. گنج ۵۳
۴. غَوْص ۵۳
۵. منفعت کسب ۵۳
۶. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد ۵۴
۷. مال حلال مخلوط به حرام ۵۴
گیرنده خمس ۵۵
موارد مصرف خمس ۵۶
امتیازهای پرداخت خمس به ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرایط ۱ ۶۰
آداب پرداخت ۱ ۶۰
آسیب شناسی و موانع پرداخت خمس ۶۳
اشاره ۶۳
۱. جهل ۶۳
اشاره ۶۳
وظیفه فرد ۶۴
وظیفه خانواده ۶۵
وظیفه حوزه های علمیه و روحانیت ۶۶
وظیفه نهادهای آموزشی ۶۷
۲. رخنه شبهه ها ۶۷
۳. بخل ۷۰
۴. کلاه شرعی ۷۱
۵. محسوس نبودن آثار پرداخت خمس ۷۲
فصل ششم: باید ها و نبایدهای برنامه سازی ۷۳
فصل هفتم: راهکارهای پرداختن به خمس در برنامه های رسانه ۷۷
اشاره ۷۷

الف) ساختار دراماتیک ---- ۷۸
ب) زیرنویس ها، پلاتو و پیام مجری ---- ۸۰
ج) گفتوگوهای مردمی ---- ۸۱
د) پاسخ به شبهه ها ---- ۸۲
فصل هشتم: داستانهای خمس ---- ۸۸
اشاره ---- ۸۸
شبکه مخفی ---- ۸۹
عنایت ویژه ---- ۸۹
خمس، حافظ مسلمانان ---- ۹۱
اعتراض مادر شیخ انصاری ---- ۹۲
شیخ انصاری و مادرش ---- ۹۳
وجوه شرعی در نظر شیخ انصاری ---- ۹۴
چادرشب ---- ۹۵
زهد علامه طباطبایی رحمه الله ---- ۹۶
آیت الله سید محمد باقردُرچهای ---- ۹۷
بر ما منتی ندارید ---- ۹۷
توجه امام زمان[به پرداخت کننده خمس ---- ۹۸
کتاب نامه ---- ۱۰۰
درباره مرکز ---- ۱۰۴

راهکارهای نهادینه سازی خمس در رسانه ملی

مشخصات کتاب

سرشناسه: لیراوی، صادق، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: راهکارهای نهادینه سازی خمس در رسانه ملی/ صادق لیراوی.

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۸۲-۸

یادداشت: کتابنامه .

موضوع: خمس

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۲ر۹ل/ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۶

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۲۵۵۳۲

ص:۱

فهرست مطالب

دیباچه۷

فصل اول: مفاهیم۹

خمس۹

تعریف مالیات۹

تفاوت خمس با مالیات های دولتی۱۰

تفاوت خمس با زکات۱۱

فصل دوم: خمس در قرآن۱۳

تاریخ و شأن نزول۱۳

۱. منظور از «ما غنمتم» چیست؟۱۴

۲. منظور از «ذی القربی» کیست؟۱۶

۳. یتیمان، مسکینان و در راهماندگان چه کسانی هستند؟۱۷

۴. ایمان کامل منوط به انجام همه تکالیف است۱۸

فصل سوم: خمس در روایتها۱۹

فصل چهارم: خمس از دیدگاه اهل سنت

۲۲
۱. منابع خمس۲۲
۲. موارد مصرف خمس۲۳
فصل پنجم: محورهای برنامه ای۲۵
دلیل های واجب بودن خمس۲۵
فلسفه و آثار خمس۲۶
۱. آثار اجتماعی۲۶
الف) گرامیداشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، اهل بیت علیهم السلام و خویشان آنها۲۶
ب) پشتیبانی از حکومت اسلامی۲۸
ج) تأسیس حوزه های علمیه۲۹
د) رفع اختلاف طبقاتی۳۰
ه) انجام کارهای دارای منفعت عمومی۳۱
۲. آثار فردی۳۲
الف) رشد معنوی۳۲
ب) تزکیه اموال و کلید رزق۳۳
ج) پاک شدن گناهان و ذخیره آخرت۳۴
د) حفظ آبرو در برابر مخالفان۳۴
ه) مشمول دعای امام شدن۳۵
و) ایجاد نظم مالی۳۵
ز) جلوگیری از تجمل در زندگی۳۶

ح) عنایت های ویژه۳۶

ط) ارتباط حقیقی با امام زمان[۳۶

پی آمدهای نپرداختن خمس۳۷

منابع خمس۳۸

۱. غنیمت ها۳۸

ص:۴

۲. معادن۳۹

۳. گنج۴۰

۴. غَوْص۴۰

۵. منفعت کسب۴۰

۶. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد۴۱

۷. مال حلال مخلوط به حرام۴۱

گیرنده خمس۴۲

موارد مصرف خمس۴۳

امتیازهای پرداخت خمس به ولی فقیه یا مجتهد جامعالشرایط۴۷

آداب پرداخت۴۷

آسیبشناسی و موانع پرداخت خمس۵۰

۱. جهل۵۰

وظیفه فرد۵۱

وظیفه خانواده۵۲

وظیفه حوزه های علمیه و روحانیت۵۳

وظیفه نهادهای آموزشی۵۴

۲. رخنه شبهه ها۵۴

۳. بخل۵۷

۴. کلاه شرعی۵۸

۵. محسوس نبودن آثار پرداخت خمس۵۹

فصل ششم:باید ها و نبایدهای برنامهسازی۶۱

فصل هفتم: راهکارهای پرداختن به خمس در برنامه های رسانه۶۵

الف) ساختار دراماتیک۶۵

ب) زیرنویس ها، پلاتو و پیام مجری۶۷

ص:۵

ج) گفتو گوهای مردمی۶۹

د) پاسخ به شبهه ها۶۹

فصل هشتم: داستانهای خمس۷۶

شبکه مخفی۷۶

عنایت ویژه۷۶

خمس، حافظ مسلمانان۷۷

اعتراض مادر شیخ انصاری۷۸

شیخ انصاری و مادرش۷۹

وجوه شرعی در نظر شیخ انصاری ۸۰

چادرشب ۸۱

زهد علامه طباطبایی رحمه الله ۸۲

آیت الله سید محمد باقردُرچهای۸۳

بر ما منتی ندارید۸۴

توجه امام زمان[به پرداخت کننده خمس۸۴

کتاب نامه۸۷

ص:۶

دیباچه

دیباچه

از برتری های یک مکتب یا دین آن است که به دور از تک یا چند بعدی نگری، به همه جنبه های زندگی توجه کند و از این رهگذر، در همه زما ن ها، مکان ها و شرایط، پاسخ گوی جامعه بشری باشد.

در این میان، اسلام به عنوان یک دین جهانی، در کنار مسائل فردی، همه امور آدمی همچون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی... را در نظر گرفته و از هر یک به طور کامل سخن گفته است.

بر این اساس، خمس یکی از دستورهای مهم اقتصادی اسلام است که اگرچه تنها یک آیه از قرآن با صراحت به آن پرداخته، در زندگی عمل کنندگان به آن آثار و برکات فراوانی به همراه می آورد.

با تأسف، بیشتر مذاهب اسلامی با برداشت های نادرست از این آیه قرآنی، نتوانستند از برکات این واجب الهی استفاده کنند و فقط مذهب شیعه با پیروی از رهنمودهای گهربار رهبران معصوم خود بیشترین بهره را از آن برده است.

شیعه در طول ۱۴۰۰ سال زندگی خود، به پشتوانه درآمدهای خمسی، هیچ گاه به حکومت های ظالم وابسته نبوده و از آنها حمایت نکرده و بدین ترتیب، استقلال و مکتب خود را حفظ کرده است. این درآمدها زیرنظر

فقیهان عادل صرف کارهای اجتماعی، فرهنگی و دینی شد و فرهنگ شیعه آزادگی خود را حفظ کرد.

همچنین فقیرانِ از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله که از زکات محروم هستند، می توانند از این اموال استفاده و آبرومندانه زندگی کنند.

بنابراین، شاید به جرئت بتوان گفت که خمس در زندگی شیعیان، همچون خون در رگ های یک موجود زنده بوده است، و اکنون که حکومت اسلامی بر پا شده، با قرار گرفتن خمس در دستان ولی فقیه، نقشی بسیار سازنده تر در رشد و گسترش فرهنگ شیعه ایفا خواهد کرد.

با توجه به مطالب پیش گفته، شایسته است تا رسانه ملی نقش مؤثر در ترویج فرهنگ خمس، مسئولیت پذیری مردم در برابر آن و رفع آسیب های احتمالی برعهده گیرد و پرداخت خمس را همانند انجام نماز، به فرهنگ عمومی تبدیل کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر را حجت الاسلام صادق لیراوی به صورت مختصر و با دسته بندی مناسب برای رسانه نگاشت تا گامی هر چند کوچک برای تحقق این واجب الهی باشد و مورد استفاده برنامه سازان قرار گیرد.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش مرکز پژوهش های

اسلامی صدا و سیما

فصل اول: مفاهیم

اشاره

ص:۸

فصل اول: مفاهیم

زیر فصل ها

خمس

تعریف مالیات

تفاوت خمس با مالیات های دولتی(۱)

تفاوت خمس با زکات

خمس

خمس

معنای لغوی: واژه ای عربی است و به معنی یک پنجم.(۲)

معنای اصطلاحی: خمس در اصطلاح شرعی، حقی مالی است که خداوند آن را با شرایطی، برای کمک به حکومت اسلامی و تأمین نیازهای شخصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزندان او، بر بندگان خود واجب کرده است.(۳)

مقدار معیّن این حق، یک پنجم است. بنابراین، معنای اصطلاحی به معنای لغوی، نزدیک است. از آنجا که برخی، خمس را «مالیات دینی» تعبیر کرده اند، لازم است مالیات را به طور کلی تعریف کنیم تا تفاوت این مالیات دینی با مالیات های دیگر، مشخص شود.

تعریف مالیات

تعریف مالیات

مالیات تعریف های گوناگونی دارد. از آن جمله گفته اند: «مالیات نوعی پرداخت و تأدیه بلاعوض مالی است که افراد آن را در نتیجه الزام قانونی،

۱-

۲- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۶۵.

۳- میرزا علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۰.

برای تأمین مالی مخارج دولت می پردازند».(۱)

در توضیح این تعریف، بیان شده است که هر حکومتی، برای اداره کارهای تشکیلاتی، نیازمند امکاناتی است تا بتواند به مردم خدمت کند و مشکلات مختلف جامعه مانند: امنیت، آموزش و پرورش، بهداشت، رفاه و حمل و نقل را حل کند. بدون شک، دستگاه های مسئول، برای انجام این خدمات، به بودجه کافی نیاز دارند. این بودجه از پول هایی تأمین می شود که مردم به دولت می پردازند و به آن «مالیات» میگویند.(۲)

تفاوت خمس با مالیات های دولتی۱

تفاوت خمس با مالیات های دولتی(۳)

خمس به عنوان یک مالیات دینی با مالیاتی که دولت از مردم می گیرد، تفاوت هایی دارد که عبارتند از:

۱. مالیات، پولی است که پرداخت می شود تا دولت رفاه را در بیرون منزل تأمین کند؛ مثل ساخت بوستان، بیمارستان، خیابان و... . بنابراین، مالیات خرج خود شهروندان می شود؛ برخلاف خمس که قسمتی از آن به سادات فقیر تعلق می گیرد و قسمت دیگر آن در راه حفظ دین و مصالح حکومت خرج می شود.

۲. خمس یک عبادت به شمار می رود و قصد قربت، شرط آن است؛ برخلاف مالیات که صرف پرداخت آن، تکلیف را ساقط می کند؛ اگرچه از روی اجبار باشد.(۴)

۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص۳۴۹؛ البته در کتاب مصطلحات الفقه، به جای واژه «حقی مالی»، واژه «مالیات دینی» آمده است که واژه اول، بهتر است.

۲- سید رضا تقوی، مالیات در نظام اسلامی، ص۵۶.

۳- برگرفته از: محسن قرائتی، خمس و زکات، صص ۵۲ _ ۵۵.

۴- البته در نظام اسلامی، اگر کسی مالیات را به قصد قربت و کمک به نظام اسلامی بپردازد، از اجر و ثواب، بیبهره نیست.

۳. خمس با نظارت عالم ترین، محبوب ترین و با تقواترین فرد _ که با تحقیق انتخاب شده است _ یعنی فقیه عادل مصرف می شود؛ برخلاف مالیات که این گونه نیست. بنابراین، گاهی ناعادلانه مصرف می شود.

۴. خمس از مازاد مخارج سالانه، ولی مالیات از اصل درآمد مردم گرفته می شود.

۵. در خمس، برخلاف مالیات، به پرداخت کننده آن، اعتماد می شود؛ یعنی خودش مال خود را حساب می کند. بنابراین، بازرس یا مأموری در کار نیست.

۶. اجباری برای پرداخت خمس وجود ندارد و از کسی در مورد اینکه آیا خمس خود را پرداخت می کند یا نه، تحقیق نمی شود. به عبارت دیگر، در پرداخت خمس آزادی عمل وجود دارد؛ برخلاف مالیات که پرداخت آن، الزامی است و پرداخت نکردن آن، مجازات دنیوی به دنبال دارد.

۷. در خمس، به مردم این اجازه داده می شود که نصف آن (سهم سادات) را خودشان به موارد تعیین شده برای مصرف برسانند؛(۱) یعنی مردم در هزینه کردن بخشی از آن مشارکت دارند؛ برخلاف مالیات که مردم در هزینه کردن آن نقشی ندارند.

تفاوت خمس با زکات

تفاوت خمس با زکات

کارکرد خمس و زکات بسیار به یکدیگر شبیه است. هر دو برای ایجاد عدالت اجتماعی، رفع اختلاف طبقاتی و تقویت بنیان های دینی در جامعه،

۱- البته برخی از فقها، این آزادی عمل را مشروط به اجازه مجتهد میدانند.

وضع شـده انـد. با وجود این شـباهت ها، این دو مالیات دینی، از نظر موارد مصـرف، تفاوت هایی با هم دارند که اکنون برمی شماریم:

۱. زکات بر نه چیز و خمس بر هفت چیز واجب است و موارد مصرف هرکدام با هم فرق دارد.

۲. زکات مربوط به نیازهای خرد جامعه، سیرکردن شکم گرسـنگان و برطرف کردن خلأهای کوچک و پراکنـده است، ولی خمس مربوط به نیازهای کلان و اساسـی جامعه است و صـرف اعتلای جامعه اسـلامی می شود تا مایه اقتدار و عزت مسلمانان شود. به همین دلیـل، در زمان معصومین علیهم السـلام ، مصـرف آن در اختیار خود آنها است و در زمان غیبت، در اختیار ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرایط قرار می گیرد.

۳. خمس، حقی است که بر مازاد درآمد سالانه تعلق می گیرد؛ برخلاف زکات که بر اصل درآمد کشاورزان و دامداران تعلق می گیرد.

۴. خمس با شرایطی خاص، بر همه افرادی که درآمد دارند، واجب می شود، اما زکات فقط بر صاحبان بعضی شغل ها واجب می شود.

۵. زکات موارد مصـرفی هشت گانه خاصی دارد که در غیر آنها مصرف نمی شود. خمس به حکومت اسلامی تعلق دارد و در هر موردی که حکومت صلاح بداند، مصرف می شود.

فصل دوم: خمس در قرآن

اشاره

ص:۱۲

فصل دوم: خمس در قرآن

خداوند در آیه ای از قرآن، به صراحت، خمس و موارد مصرف آن را بیان می دارد؛ آنجا که می فرماید:

وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَیءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاكِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَی عَبْدِنَا یوْمَ الْفُرْقَانِ یوْمَ الْتَقَی الْجَمْعَانِ وَاللّهُ عَلَی كُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ. (انفال: ۴۱)

بدانید که هر چیزی را که غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است؛ اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] ــ روزی که آن دو گروه با هم روبه رو شدند ــ نازل کردیم، ایمان آورده اید و خدا بر هر چیزی تواناست.

تاریخ و شأن نزول

اشاره

تاریخ و شأن نزول

در مورد تاریخ نزول آیه خمس، سه نظر وجود دارد. برخی می گویند آیه خمس، در جنگ بنی قینقاع یعنی شوال سال دوم هجری نازل شد، برخی دیگر می گویند که در جنگ احد یعنی شوال سال سوم هجری نازل شد، و دسته دیگر می گویند که در جنگ بدر یعنی رمضان سال دوم هجری نازل

ص:۱۳

شده است که به نظر می رسد نظر سوم برتری داشته باشد.(۱)

در مورد شأن نزول آن گفته شده است که اختلافی در تقسیم غنیمت ها در جنگ بدر پیش آمد و این آیه برای رفع اختلاف مسلمانان نازل شد.(۲)

۱. منظور از «ما غنمتم» چیست؟

۱. منظور از «ما غنمتم» چیست؟

علمای اسلام ــ چه شیعه و چه اهل سنت ــ اجماع دارند که این آیه در مورد خمس بوده و خداوند تکلیفی را برای مسلمانان قرار داده است. اختلاف اساسی میان این دو مذهب در آن است که مراد از «ما غنمتم» چیست؟

شیعه معتقد است که مراد از «ما غنمتم» در آیه، هر مالی است که انسان از راه حلال به دست می آورد که ممکن است از راه جنگ با کفار، استخراج معادن، کشف گنج، غواصی در دریا، کسب از راه زراعت، صناعت یا تجارت و... باشد. بنابراین، هرگونه درآمد حلال، منبع خمس حساب می شود.(۳)

مفسران اهل سنت، غنیمت را به چیزی تفسیر کرده اند که مسلمانان در جنگ با کفار به دست می آورند. البته برخی از آنها همچون فخر رازی در تفسیر کبیر، قرطبی در الجامع لاحکام القران، آلوسی در روح المعانی و مراغی و ثعالبی اعتراف کردهاند که لفظ غنیمت در لغت معنای عامی دارد

۱- محسن قرائتی، خمس و زکات، ص ۲۶.

۲- مقاله «بررسی تطبیقی آیه خمس»، مجله مقالات و بررسی ها، ص۲؛ به نقل از: ماوردی، الاحکام السلطانیه، ص۲۴۵.

۳- حسین نوری، کتاب الخمس، ص۶.

و شامل هر درآمدی می شود، اما به دلیل اتفاق علما و عرف شرع، مراد از «ما غنمتم»، تنها غنیمت های جنگی است.(۱)

برای حل این اختلاف لازم است که معنای لغوی و معنای شرعی لفظ غنیمت را در زمان نزول آیه بدانیم. از آنجا که در زمان نزول آیه، معنای شرعی برای لفظ غنیمت وجود نداشت، بنابراین، تنها راه بررسی، معنای لغوی لفظ غنیمت است.

آیه ۹۴ سوره نساء دلیلی است بر اینکه معنای شرعی برای غنیمت وجود ندارد؛ آنجا که خداوند می فرماید: «فَعِندَ اللّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ؛ چرا که غنیمت های فراوان نزد خداست».

همان طور که ملاحظه میشود، منظور از مغانم در آیه، هر فایده‌ای است و نمیتواند خصوص غنیمت های جنگی باشد.

در مورد معنای لغوی غنیمت، در لسان العرب آمده است: «اَلغُنم الفوز بالشیء من غیر مشقهٍ؛ غنم و غنیمت دسترسی به چیزی بدون مشقت است.»(۲) همچنین در تاج العروس گفته شده است: «اَلغُنمُ اَلفَوزُ بِالشیء بِلا مشقهٍ.»(۳) در کتاب العین نیز آمده است: «اَلغُنمُ اَلفَوزُ بالشیء مِن غیر مشقهٍ».(۴)

با توجه به این معانی که برای غنیمت ذکر شد، معلوم میشود که عنوان جنگ و آنچه از دشمن کافر به دست می آید، در معنای آن نیامده است و غنیمت، شامل هر درآمدی می شود.

۱- همان، ص۷.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج۱۲، ص۴۴۵.

۳- زبیدی، تاج العروس، ج۱۷، ص۵۲۷.

۴- العین، ج۴، ص۴۲۶.

علاوه بر دلیلهای یادشده باید گفت از نظر شرعی، اگر غنیمت، به غنیمت های جنگی منحصر شود؛ فقیران بنی هاشم در طول سالهای بعد از اسلام، از گرفتن خمس و زکات محروم خواهند شد که این حالت، ناعادلانه خواهد بود.

دلیل اینکه فقیران بنی هاشم از زکات محرومند، روایات فراوانی است که فریقین نقل کردند. از جمله امام صادق علیه السلام که می فرماید:

اِنَّ الله لا اِلَهَ اِلّا هُوَ لَمّا حرَّمَ عَلَینا الصَّدقَةَ اَنزل لَنا الخُمسَ فَالصَّدقهُ عَلینا حَرامٌ وَ الخُمسُ لنا فریضهٌ.(۱)

همانا خداوندی که جز او خدایی نیست، چون صدقه (زکات) را بر ما حرام کرد، پس خمس را برای ما نازل کرد. پس صدقه (زکات) بر ما، حرام و خمس برای ما واجب است.

اگر به فرض، قبول کنیم که در گذشته، جنگ با کفار زیاد اتفاق می افتاد و غنیمت هایی نصیب مسلمانان میشد، از آنجا که در قرن های اخیر، جنگ با کفار به ندرت اتفاق افتاده است، فقیران بنی هاشم از خمس و کمکهای مالی محروم میشوند که این با عدل الهی سازگار نیست. پس بر اساس تفسیر اهل سنت از آیه خمس، اجرای عملی آن با مشکل روبه رو خواهد بود.

۲. منظور از «ذی القربی» کیست؟

۲. منظور از «ذی القربی» کیست؟

منظور از «ذی القربی» در آیه، همه خویشاوندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیستند، بلکه امامان اهل بیت علیهم السلام هستند؛ یعنی، مراد از آن، خویشاوندی

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۸۳.

است که جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محسوب میشود و دلیل آن، روایتهای متواتری است که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام ، در قسمتی از خطبه ای می فرماید:

نَحنُ وَالله عَنی بِذِی الْقُربی الَّذین قَرَنَنَا اللهُ بِنَفْسِه وَ بِرَسوله فقال: لِلّهِ و للرسول و لِذِی القربی.(۱)

به خدا سوگند، مقصود از ذی القربی ما هستیم که خداوند ما را به خود و رسول خود، قرین ساخته و فرموده است: از آنِ خدا و از آنِ رسول خدا و از آنِ ذی القربی است.

۳. یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان چه کسانی هستند؟

۳. یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان چه کسانی هستند؟

منظور، یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان بنی هاشم و سادات هستند. البته ظاهر آیه، مطلق است و قیدی در آن دیده نمیشود. دلیل ما بر این تقیید، روایات زیادی است که در تفسیر این آیه، از طریق اهل بیت علیهم السلام وارد شده است و می دانیم بسیاری از احکام، در متن قرآن، به طور مطلق آمده، ولی «شرایط و قیود» آن به وسیله «سنت» بیان شده است و این، منحصر به آیه مورد بحث نیست تا جای تعجب باشد.

به علاوه، با توجه به آنکه زکات، بر نیازمندان بنی هاشم، به طور مسلّم، حرام است؛ باید نیازهای آنها از طریق دیگری تأمین گردد و این خود، قرینه ای است بر اینکه منظور از این آیه، تنها نیازمندان بنی هاشم است.(۲) بنابراین، امام صادق علیه السلام فرموده است:

هنگامی که زکات را بر ما حرام کرد، خمس را برای ما قرار داد.

۱- همان، ص ۵۱۲.

۲- تفسیر نمونه، ج۷، ص۱۷۵.

بنابراین، زکات بر ما، حرام و خمس، حلال است.(۱)

۴. ایمان کامل منوط به انجام همه تکالیف است۱

۴. ایمان کامل منوط به انجام همه تکالیف است(۲)

نکته دیگری که از این آیه استفاده میشود، این است که مخاطب سخن در این آیه، مؤمنان است؛ زیرا درباره غنیمت ها جهاد اسلامی بحث میکند و معلوم است مجاهد اسلامی، مؤمن است. با این حال میگوید: «اگر ایمان به خدا و پیامبر آوریدهاید»؛ اشاره به این است که نه تنها ادعای ایمان نشانه ایمان نیست، بلکه شرکت در میدان جهاد نیز ممکن است نشانه ایمان کامل نباشد و به دلیل اهداف دیگری انجام گیرد. مؤمن کامل کسی است که در برابر همه دستورهای خداوند به ویژه دستورهای مالی، تسلیم باشد و تبعیضی در اجرای برنامههای الهی قائل نشود.

فصل سوم: خمس در روایتها

ص:۱۸

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۸۳.

۲- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۷۲.

فصل سوم: خمس در روایتها

در برخی روایتها، به زوایای مختلف بحث خمس، پرداخته شده است. در این فصل، تنها به اهمیت خمس میپردازیم و روایتهای دیگری که به دیگر زوایای خمس پرداخته است، در فصلهای دیگر مطرح می شود.

بر اساس روایت زیر، خوردن مالی که خمس آن پرداخت نشده است، عذاب الهی را به همراه دارد. از ابابصیر نقل شده است: قلت لِاَبی جعفر علیه السلام : ما اَیسرُ ما یدخُلُ به العَبدُ النّارَ؟ قال: مَن اَکَلَ مِن مالِ الیتیم درهماً و نَحنُ الیتیم.(۱)

از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: آسان ترین چیزی که بنده به سبب آن، وارد جهنم می شود، چیست؟ حضرت فرمود: کسی که درهمی از مال یتیم را بخورد و ما اهل بیت علیهم السلام ، یتیم هستیم.

ـ روایت دیگری نیز در این باب وجود دارد. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

مَن اشْتری شیئاً من الخُمْسِ لم یعْذِرْهُ الله اشتری ما لایحِلُّ له.(۲)

هر کس با مالی که خمس آن داده نشده است، چیزی بخرد، خداوند عذر او را نمیپذیرد؛ زیرا چیزی خریده است که برای او حلال نیست.

۱- محمد بن علی بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۴۱.

۲- وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۸۴.

از علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

مَنْ كَثَرَ مالُه و لَم يعْطِ حقَّه فَإِنّما مالُه حيات ينهَشَه يومَ القيامَه.(۱)

هرکس مالش فراوان گردد و حق آن را ادا نکند، روز قیامت مال او، تبدیل به مارهایی میشود که پیوسته او را میگزند.

از حضرت مهدی[نقل شده است:

بسم الله الرحمن الرّحیم لعنه اللهِ وَ المَلائِکَهِ وَ النّاسِ اجمعین علی مَنْ اَکلَ مِنْ مالِنا دِرهماً حراما.(۲)

به نام خداوند بخشاینده مهربان؛ لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی باد که یک درهم حرام از مال ما بخورد.

همچنین ایشان فرموده است:

و امّا المتلبّسون بأموالنا فمن استحلّ منها شيئا فأكله فأنّما يأكل النّيران.(۳)

اما آنان که اموال ما را در اختیار گرفتهاند؛ هرکس چیزی از آن را حلال بداند و بخورد، به یقین، آتش خورده است.

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

من منع حقّا لله عزّو جلّ أنفق فی باطل مثلیه.(۴)

هرکس حق خدا را ندهد، دو برابر آن را در باطل خرج خواهد کرد.

از مجموع روایتهای این قسمت استفاده میشود که خمس، حقوق

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۹۶، ص۲۹.
۲- همان، ج۵۳، ص۱۸۴.
۳- اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص۵۳۲.
۴- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج۳، ص۵۰۶.

مالی واجبی است که بر عهده مسلمانان قرار دارد و پرداخت نکردن آن، موجب عذاب و عقاب است. البته در روایتها، نکتههای مهم دیگری نیز وجود دارند که در جای خود، به آن اشاره خواهد شد.

فصل چهارم: خمس از دیدگاه اهل سنت

اشاره

ص:۲۱

فصل چهارم: خمس از دیدگاه اهل سنت

زیر فصل ها

۱. منابع خمس

۲. موارد مصرف خمس

۱. منابع خمس

۱. منابع خمس

همان طور که اشاره شد، علمای اهل سنت، بر اساس آیه چهل و یکم سوره انفال، خمس را یکی از واجبهای شرعی میدانند. از آنجا که آن را مختص به غنیمت ها جنگی می شمارند، تنها در کتاب «جهاد» و مباحث غنیمت های جنگی آن را طرح کرده و فصل مستقلی را به خمس اختصاص ندادهاند. برخلاف آنان، عالمان شیعه فصل مستقلی را به خمس اختصاص دادهاند و در کنار زکات، نماز و حج، از آن بحث میکنند.

البته برخی از مذهبهای اهل سنت، خمس را در «گنج» و «معدن» نیز واجب می دانند؛ اما این دیدگاه، مستند به آیه خمس نیست، بلکه به دلیل روایتهایی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کتابهای آنها نقل شده است. شاید این روایتها، تأییدی برای نظریه امامیه باشد که می گویند «غنیمت» در این آیه قرآن، منحصر به «غنیمت ها جنگی» نیست.

بنابراین، به طور کلی، از نظر مذهبهای اهل سنت، خمس به سه چیز تعلق میگیرد:

ص:۲۲

الف) غنیمت های جنگی که از جنگ با کفار به دست میآید.(۱)

ب) معدن: تنها حنفیه قائل به وجوب خمس در معدن است.

ج) گنج: تمامی مذاهب اهل سنت، خمس را در گنج واجب میدانند.(۲)

۲. موارد مصرف خمس

۲. موارد مصرف خمس

بر اساس دیدگاه شیعه که موافق با آیه صریح قرآن است؛ خمس به شش قسمت تقسیم میشود و اختیار آن بر عهده حاکم اسلامی است که در هریک از موارد ششگانه، مصرف کند. اما علمای اهل سنت در این بحث نیز دیدگاهی متفاوت با قرآن دارند که بیان میشود:

الف) شافعیه و حنابله، خمس را به پنج قسمت تقسیم میکنند:

نخست، سهم رسول الله صلی الله علیه و آله که صرف مصالح مسلمانان می شود. دوم، سهم ذی القربی است. آنها کسانی هستند که از طرف پدر به هاشم برسند؛ حال فقیر یا غنی باشند. باقی به ایتام، مساکین و ابن سبیل پرداخت می شود؛ در این جهت میان بنی هاشم یا غیربنی هاشمی تفاوتی نمی کند.

ب) حنفیه: خمس را به سه قسمت تقسیم میکنند به این صورت که سهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با رحلت ایشان ساقط شد. سهم ذی القربی نیز ساقط است. فقط ایتام، مساکین و ابن سبیل هاشمی و غیر هاشمی، مستحق خمس هستند.

ج) مالکیه: معتقدند که خمس در اختیار حاکم اسلامی قرار می گیرد و

۱- تمام مذاهب اهل سنت این را قبول دارند.

۲- محمدجواد مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج۱، صص ۱۸۷ _ ۱۸۹.

هر گونه که مصلحت بداند، مصرف میکند.(۱)

فصل پنجم: محورهای برنامه ای

اشاره

ص:۲۴

۱- همان.

فصل پنجم: محورهای برنامه ای

زیر فصل ها

دلیل های واجب بودن خمس

فلسفه و آثار خمس

پی آمدهای نپرداختن خمس

منابع خمس

گیرنده خمس

موارد مصرف خمس

امتیازهای پرداخت خمس به ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرایط(۱)

آداب پرداخت(۲)

آسیب شناسی و موانع پرداخت خمس

دلیل های واجب بودن خمس

دلیل های واجب بودن خمس

با توجه به اینکه خمس، یک حکم شرعی است، باید دلیلهای واجب بودن آن را از منابع شرعی یعنی کتاب خدا، حدیثهای معصومین علیهم السلام و اجماع جست وجو کرد.

ضرورت خمس از مسلّمات دین اسلام است که هیچ یک از علمای شیعه و اهل سنت در آن اختلافی ندارند؛ اگرچه در بعضی از مسئلههای خمس، با یکدیگر اختلاف دارند. بنابراین، کسی که از روی عمد، ضرورت خمس را انکار کند، به طوری که انکار او به انکار اصل نبوت منتهی شود، کافر به حساب خواهد آمد.(۳)

علاوه بر این، آیه چهل و یکم سوره انفال نیز در اهمیت و لازم بودن خمس صراحت دارد که توضیح داده شد. همچنین روایتهای فراوانی بر لازم و واجب بودن خمس دلالت دارد که ما در بخش روایتها، آن را بررسی

۱-

۲-

۳- محمد فاضل لنکرانی، الخمس و الانفال، ص۹.

کردیم.

فلسفه و آثار خمس

اشاره

فلسفه و آثار خمس

زیر فصل ها

۱. آثار اجتماعی

۲. آثار فردی

۱. آثار اجتماعی

اشاره

۱. آثار اجتماعی

زیر فصل ها

الف) گرامی داشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، اهل بیت علیهم السلام و خویشان آنها

ب) پشتیبانی از حکومت اسلامی

ج) تأسیس حوزه های علمیه

د) رفع اختلاف طبقاتی

ه) انجام کارهای دارای منفعت عمومی

الف) گرامی داشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، اهل بیت علیهم السلام و خویشان آنها

الف) گرامی داشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، اهل بیت علیهم السلام و خویشان آنها

خداوند جهت تکریم و بزرگداشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، اهل بیتش علیهم السلام ، فقیران و درماندگان از خویشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، خمس را تشریع کرد؛ همان گونه که زکات برای دیگر فقیران، جامعه تشریع شد.

خداونـد می دانست که در گـذر زمان، فرزنـدان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله با مشـکل های مالی روبه رو خواهند شد و از آنجا که زکات را برای آنان نمی پسـندید، با اختصاص آیه ای صـریح، این قانون را وضع کرد. با وجود این، مسـلمانان، بر اثر تفسـیرهای بـد حاکمان و عالمان خود از این آیه، به طور کامل، به این دسـتور الهی عمل نکردنـد و این دسـتور تنها در مکتب اهل بیت علیهم السلام به آن عمل شد.

امام کاظم علیه السلام با اشاره به این حکمت تشریع خمس می فرماید:

و اِنّما جَعَلَ اللهُ هَذا الْخُمسَ خاصَّةً لَهُمْ دُونَ مساکینِ النّاس وَ اَبناءِ سَبیلِهم عِوضاً لَهُم مِنْ صَدَقاتِ النّاس وَ تَنزیها لَهُمْ مِنَ اللهِ لِقَرابَتِهم مِنْ رَسولِ الله صلی الله علیه و آله ... .(۱)

و همانا خداوند این سهم خمس را مخصوص خاندان پیامبر صلی الله

ص:۲۶

۱- الکافی، ترجمه: کمره ای، ج۱، ص۵۳۹.

علیه و آله کرد و به مستمندان و در راه ماندگان مردم دیگر نداده است، در عوض صدقه ها و زکات مردم را، از سادات دریغ کرده است؛ برای آنکه خدا آنان را به دلیل خویشی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منزه بدارد.

بنابراین، پرداخت خمس، علاوه بر اینکه انجام یک واجب الهی است، خشنودی پیامبر را نیز در پی دارد؛ زیرا با پرداخت خمس، حقوق فرزندان پیامبر ادا می شود. دراین باره شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه روایتی را نقل کرده است که ترجمه آن را می آوریم.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

آنگاه که روز قیامت برپا می شود، منادی حق ندا می دهد: «ای خلایق! سکوت کنید؛ همانا پیامبر خدا، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله می خواهند با شما سخن بگویند.» پس همه خلایق سکوت می کنند. آنگاه پیامبر خدا به پا می خیزد و می فرماید: «ای گروه خلایق! هرکس را در نزد من حقی و منتّی یا معروفی باشد، پس باید برخیزد تا من حق او را ادا و او را کفایت کنم.» اهل محشر می گویند: «یا رسول الله پدران و مادران ما به فدایت باد! چه منتّی و چه معروفی از ما برای شماست؟ بلکه هر منتّی و معروفی از خدا و رسولش بر جمیع خلایق است.» سپس پیامبر می فرماید: «آری چنین است. اگر کسی، یکی از اهل بیتم را پناه داده، خدمتی انجام دهد یا برهنه ای را بپوشاند و گرسنه ای از فرزندانم را سیر کند، پس بایستد تا من تلافی کرده، او را کفایت کنم».

پس مردمی که این خدمات را انجام دادند، می ایستند؛ آنگاه ندایی از جانب خداوند می آید که ای محمد! ای حبیب من! به تحقیق که

جزایشان را به تو سپردم و در بهشت هر کجا که می خواهی، جایشان بده.

پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنان را در درجه و کنار خویش جای می دهد؛ به گونه ای که هیچ حائلی بین پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام با دوستداران فرزندانش نباشد.

ب) پشتیبانی از حکومت اسلامی

ب) پشتیبانی از حکومت اسلامی

شکی نیست که هر دولت و حکومتی برای پیشبرد هدف های خود، به قدرت مالی نیاز دارد تا در جهت مناسب هزینه کند. حکومت اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

ازاین رو، در شرع مقدس، مالیات هایی برای کمک و پشتیبانی حکومت اسلامی در نظر گرفته شده که از آن جمله خمس است.

مالیات خمس شامل همه درآمدها می شود و اگر مردم به این واجب، عمل کنند، درآمد بسیاری نصیب حکومت اسلامی می شود که می تواند مشکل ها را رفع کند.

امام خمینی رحمه الله درباره این کارکرد خمس می فرماید:

مالیات هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه ای را که ریخته است، نشان می دهد، تنها برای سد رمق فقرا و سادات نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است؛ به عنوان مثال، «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت المال ریخته می شود و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می دهد.

طبق مذهب ما، از تمام منافع کشاورزی، تجارت، منابع زیرزمینی و

روی زمینی و به طور کلی از کلیه منافع و عواید، به طرز عادلانه ای [خمس] گرفته می شود. به طوری که از سبزی فروش درب این مسجد تا کسی که به کشتیرانی اشتغال دارد یا معدن، استخراج می کند، همه را شامل می شود. این اشخاص باید خمس اضافه بر درآمد را پس از صرف مخارج متعارف خود به حاکم اسلام بپردازند تا به بیت المال وارد شود. بدیهی است درآمد به این عظمت، برای اداره کشور اسلامی و رفع همه احتیاج های مالی آن است. هرگاه خمس درآمد کشورهای اسلام یا تمام دنیا را ــ اگر تحت نظام اسلام درآید ــ حساب کنیم، معلوم می شود منظور از وضع چنین مالیاتی، تنها رفع احتیاج سید و روحانی نیست؛ بلکه قضیه مهم تر از اینهاست. منظور رفع نیاز مالی تشکیل های بزرگ حکومتی است.(۱)

ج) تأسیس حوزه های علمیه

ج) تأسیس حوزه های علمیه

یکی از مهم ترین امتیازهای مکتب اهل بیت علیهم السلام بر دیگر مکتب ها و ادیان، استقلال عالمان و حوزه های علمیه آن است. کمتر مکتبی است که در دوران حیات خود، این طور مستقل از حکومت ها و قدرت ها به کار خود ادامه دهد و از آنها تأثیر نپذیرفته باشد.

این ویژگی و امتیاز مرهون استقلال مالی حوزه ها و عالمان دینی است که با اکتفا به درآمدهای خمس توانستند از نفوذ سلیقه های شخصی و تفسیرهای نادرست در دین جلوگیری کنند.

اگر خمس هیچ کارکردی جز این نداشت، کافی بود آن را به عنوان قانونی مترقی، پذیرا باشیم. متأسفانه این قانون الهی و مترقی که برای همه مسلمانان

۱- روح الله خمینی، ولایت فقیه، ص۲۲.

تشریع شده است، به دلیل کج اندیشی ها و تفسیرهای نادرست، از مسیر خود منحرف شد و غیر از شیعیان، دیگر مذاهب اسلامی نتوانستند از آن بهره ای ببرند. در نتیجه، زمینه وابستگی آنها به پادشاهان و حکومت ها فراهم شد.

بنابراین، با یقین می توان گفت یکی از برکت های اجتماعی خمس، تربیت عالمان دینی و تأسیس حوزه های علمیه مستقل در جهان تشیع بوده است که نقش مهمی در رواج و گسترش فرهنگ دینی در گذشته و حال داشته است.

امام رضا علیه السلام در مقام بیان این کارکرد از خمس می فرماید: «اِنَّ الْخُمسَ عونُنا علی دینِنا؛ به درستی که خمس، برای کمک ما به دین ماست».(۱)

در عصر حاضر، بهترین کمک به دین، تربیت متخصصان و مبلغان دینی است تا علاوه بر دفاع از دین، به تبیین و نشر آن بپردازند.

د) رفع اختلاف طبقاتی

د) رفع اختلاف طبقاتی

هنگامی که ثروت در دست افراد خاص و معدودی انباشته شود، فاصله عمیق طبقاتی بین افراد جامعه ایجاد می شود که نتیجه آن، گسترش فقر و محرومیت است. از سوی دیگر، همیشه افرادی در جامعه هستند که برای کسب و کار قدرت ندارند یا اینکه درآمدشان، برای زندگی کافی نیست. اسلام برای رفع این دو مشکل، مالیات هایی چون زکات، خمس و صدقه ها را وضع کرده است که می تواند هم از تمرکز ثروت در دست افرادی خاص جلوگیری کند و هم نیاز نیازمندان را رفع کند.

البته این سخن بدان معنا نیست که اسلام با تساوی افراد در ثروت و

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص۵۳۸.

رفاه موافق باشد؛ زیرا با فطرت و توانایی های انسان ناسازگار است. اسلام اصل اختلاف در دارایی ها را می پذیرد، ولی این اختلاف نباید عمیق و بسیار دردآور باشد، بلکه تناسب باید حفظ شود.

قرآن نیز در بیان علت تقسیم غنیمت ها در ماجرای بنی نضیر میان فقیران می فرماید: «کَیْ لَا یَکُونَ دُولَهً بَیْنَ الْأَغْنِیَاء؛ تا اینکه [ثروت] میان ثروتمندان شما، دست به دست نگردد». (حشر: ۷)

این آیه به همین اصل اساسی اقتصاد اسلامی یعنی عدم تمرکز ثروت در دست توانگران اشاره دارد. بنابراین یکی از کارکردهای مهم خمس، رفع نیاز محرومان و تمرکززدایی ثروت در دست افرادی خاص است که می تواند به عدالت اجتماعی در جامعه کمک کند.

ه) انجام کارهای دارای منفعت عمومی

ه) انجام کارهای دارای منفعت عمومی

هر چیزی که برای اسلام و مسلمین صلاح و به عبارت دیگر مصداق «فی سبیل الله» باشد، از موارد مصرف خمس است.

در این باره امام صادق علیه السلام می فرماید:

«... اَمّا خُمس الله فَلِلرّسول یَضَعَهُ فی سبیل الله ...؛ ... حقِّ خمس خداوند در دست رسول اوست که در راه خدا، در هر چیزی که مصلحت می داند، مصرف می کند...».(۱)

بنابراین حاکم اسلامی می تواند سهمی از خمس را برای تقویت اسلام و مسلمانان مصرف کند؛ مانند: کمک به مبارزان مسلمان در برابر کفار.

همچنان که شاهد بودیم، مراجع تقلید حفظهم الله در سال های گذشته

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص۵۰۹.

اجازه می دادند، قسمتی از خمس به مبارزان لبنان پرداخت یا در راه بازسازی منطقه های جنگ زده لبنان، هزینه شود.

۲. آثار فردی

اشاره

۲. آثار فردی

زیر فصل ها

الف) رشد معنوی

ب) تزکیه اموال و کلید رزق

ج) پاک شدن گناهان و ذخیره آخرت

د) حفظ آبرو در برابر مخالفان

ه) مشمول دعای امام شدن

و) ایجاد نظم مالی

ز) جلوگیری از تجمل در زندگی

ح) عنایت های ویژه

ط) ارتباط حقیقی با امام زمان[

الف) رشد معنوی

الف) رشد معنوی

انجام تکلیف های مالی، نشانه رشد معنوی و مبارزه با بخل و خساست و امتحانی الهی است که بسیاری از افراد در آن شکست می خورند و هلاک می شوند.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

کسی که آنچه را خداوند بر مال و دارایی اش واجب کرده است، ادا کند؛ سخاوت مندترین مردم است.(۱)

بنابراین، خمس که از تکلیف های مالی است، سبب رشد معنوی پرداخت کننده اش می شود و بخل را که از دام های شیطانی است، ریشه کن می کند. خداوند کسانی را که با بخل مبارزه می کنند و دیگران را بر خود ترجیح می دهند، مدح کرده است و می فرماید:

وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (حشر: ۹)

و آنها (مهاجران) را بر خود مقدم می دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند و هرکس از خسّت نفس خود مصون ماند، ایشان به حقیقت رستگاران عالمند.

ب) تزکیه اموال و کلید رزق

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۶۲.

ب) تزکیه اموال و کلید رزق

خداونـد در قرآن می فرمایـد: «وَکُلُواْ مِمَّا رَزَقَکُمُ اللّهُ حَلاَلاً طَیِّبًا؛ و از آنچه خداونـد روزی شـما کرده است، حلال و پـاکیزه بخورید». (مائده: ۸۸)

از این آیه به دست می آیـد که آنچه در اختیار آدمی است، حلال و پاک نیست؛ زیرا ممکن است حقوق مردم یا حقوق الهی در آن باشد که باید نخست ادا شود، سپس می توان در آن مال، تصرف کرد. از جمله این حقوق، خمس است که آیه صریح قرآن آن را بر انسان ها واجب کرده است. بنابراین، کسانی که به مال ایشان خمس تعلق گرفته است، نمی تواننـد در مال خود تصرف کنند و تنها با پرداخت خمس، مال آنها حلال خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در همین باره می فرماید:

اِنی لَآخِذٌ مِنْ احَدِکم الدِّرْهم وَ انی لَمِنْ اکثر اهل المدینه مالاً ما اُرید بذلک اِلّا اَن تُطَهِّروا.(۱)

همانا من از هرکدام شما درهم می گیرم، درحالیکه از ثروتمندان اهالی مدینه هستم؛ از این گرفتن قصدی ندارم جز اینکه شما پاکیزه شوید.

مقصود حضرت از این بیان آن است که گرفتن مال (خمس) سبب پاکیزه و حلال شدن مال (دارایی) خواهد شد.

همچنین در کتـاب «کافی» آمـده است که گروهی از مردم خراسان از امام رضا علیه السـلام درخواست کردنـد که ایشان را از پرداخت خمس معـاف فرمایـد. حضـرت در جواب فرمود: «این چه نیرنگی است؟ به زبـان بـا مـا اظهـار دوستی و اخلاـص می کنید، حال آنکه حقی را که خداوند برای ما

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۸۴.

قرار داده و برای ما آن را تأیید فرموده است که آن خمس است، از ما دریغ می دارید. بر شما حلال نمی کنیم، نمی کنیم، نمی کنیم و هیچ یک از شما معاف نیستید».(1)

همچنین بر اساس روایت هایی که از ائمه علیهم السلام نقل شده است، پرداخت خمس موجب گشایش روزی و برکت آن می شود. امام رضا علیه السلام در روایتی می فرماید: «فاِنّ اخراجَهُ مفتاح رِزْقِکُم؛ همانا پرداخت خمس کلید روزی شماست».(2)

در جای دیگر نیز می فرماید:

وَ اَخْرِجوا حقَّ الله مِمّا فی ایدیکم یُبارک الله لکُم فی باقیه.(3)

از آنچه در دست دارید، حق الهی را پرداخت کنید تا خداوند در باقی مانده آن مال، برکت دهد.

ج) پاک شدن گناهان و ذخیره آخرت

ج) پاک شدن گناهان و ذخیره آخرت

یکی از تاجران فارس که از دوست داران امام رضا علیه السلام بود، در نامه ای درخواست کرد که از پرداخت خمس معاف شود. امام رضا علیه السلام درخواست او را رد کرد و فرمود: به درستی که پرداخت خمس موجب... پاک شدن گناهانتان و آمادگی شما برای روز بیچارگی تان در قیامت است.(4)

د) حفظ آبرو در برابر مخالفان

د) حفظ آبرو در برابر مخالفان

امام رضا علیه السلام در قسمتی از کلامشان می فرماید: « ... وَنشتری مِنْ اَعراضِنا

1- شیخ طوسی، التهذیب، ج4، ص 140.
2- همان، ص139.
3- مستدرک الوسائل، ج7، ص279.
4- التهذیب، ج4، ص139.

مِمَّن نخافُ سَطْوَتَهُ...؛ خمس وسیله حفظ آبروی ماست، نسبت به کسی که از او بیم داریم».(۱)

ه) مشمول دعای امام شدن

ه) مشمول دعای امام شدن

همچنین امام رضا علیه السلام در بخش دیگری از سخنانش می فرماید:

«... و لاتَزْووهُ عنّا و لاتُحرّموا انفُسَکم دُعاءَنا ما قَدرتُم علیه...؛ ... آن (خمس) را از ما دریغ نورزید و خود را از دعای ما محروم نسازید تا آنجا که می توانید...».(۲)

و) ایجاد نظم مالی

و) ایجاد نظم مالی

هر مؤسسه یا بنگاهی که فعالیت اقتصادی یا غیر اقتصادی دارد، هنگامی می تواند نقطه های ضعف و قوّت خود را دریابد که نظم مالی و حساب رسی دقیقی داشته باشد. در غیر این صورت، بی نظمی و از بین رفتن دارایی ها، اجتناب ناپذیر است.

خانواده نیز به عنوان یک نهاد کوچک، باید نظم مالی داشته باشد تا بتواند از فرصت ها استفاده بهینه کند. پرداخت خمس می تواند این هدف را عملی کند. فردی که به پرداخت خمس متعهد است، باید سال خمسی داشته باشد تا هنگام سررسید سال خمسی، به حساب رسی اموالش بپردازد.

برای تحقق این مهم لازم است که اعضای خانواده، هزینه هایی را که در سال قبل صورت گرفته است، بررسی کنند تا مشخص شود کدام یک از هزینه ها در شأن خانواده نبوده است؟ در طول یک سال، درآمد مازاد بر خرج چقدر بوده است؟ به چه کسی بدهکار هستند و از چه کسی طلب دارند؟

۱- کافی، ج ۱، ص۵۴۸.

۲- همان.

بی تردیـد، پاسـخ به این پرسـش ها علاوه بر آنکه در تعیین مقـدار خمس اثر گـذار است، به صورت غیر مسـتقیم، به نظم مالی خانواده نیز کمک می کند.

ز) جلوگیری از تجمل در زندگی

ز) جلوگیری از تجمل در زندگی

از جمله چیزهـایی که به آن خمس تعلق می گیرد، لوازمی است که از شـأن فرد و خانواده او بالاتر باشـد. این قانون سـبب می شود که افراد، کمتر به سراغ لوازم تجملاتی بروند.

ح) عنایت های ویژه

ح) عنایت های ویژه

کسانی که از مال خود می گذرنـد و در راه خدا خمس می پردازند، به طور طبیعی از عنایت های ویژه الهی برخوردار خواهند شد؛ چراکه خداوند می فرماید: «إِن تَنصُرُوا اللَّهَ یَنصُرْکُمْ؛ اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می دهد». (محمد: ۷)

ط) ارتباط حقیقی با امام زمان[

ط) ارتباط حقیقی با امام زمان[

همه ما نسبت به امام زمان[علاقه قلبی خاصی داریم و به آن افتخار می کنیم. مرحله بالاتر از این مرتبه، مرحله عملی این علاقه و ارتباط است؛ یعنی در مقام عمل هم محبت و اخلاص خود را به امام ثابت کنیم.

یکی از راه هـای تحقق عملی این ارتبـاط، پرداخت خمس به نـایب اوست؛ پرداخت خمس، بیعت مجـدد با امام زمان[و یاری ایشـان در برپـایی دین عـدل گستر و ایجـاد دولت یار است؛ بی شک، ادعای انتظار از سوی کسـی که به پرداخت خمس میلی ندارد، پوچ و بی معناست.

پی آمدهای نپرداختن خمس

ص:۳۶

پی آمدهای نپرداختن خمس

همان طور که بیان شد، خمس از فروع دین و تکلیف های واجب است که سهل انگاری و بی توجهی به آن گناهی بزرگ است و اثر و عاقبت بدی در دنیا و آخرت دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) نپرداختن خمس در کنار شرک و قتل نفس، از بزرگ ترین گناهان شمرده شده است.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

اَکبَرُ الْکبائرِ سَبْعٌ: الشّرکُ وَ الْقتلُ وَ اَکلُ اَموالِ الیتامی وَ عُقوقُ الوْالِدَینَ و قَذفُ المحصِنات وَ الفرارُ مِنَ الزَّحِف وَ انکارُ ما اَنزلَ الله.

از بزرگ ترین گناهان کبیره هفت چیز است: شرک؛ قتل نفس؛ خوردن مال یتیم؛ عاق پدر و مادر؛ متهم کردن زنان پاک دامن؛ فرار از جهاد و انکار آنچه خدا نازل کرده است.

سپس امام صادق علیه السلام در ادامه می فرماید: «اما خوردن مال یتیم همان بردن و خوردن مال ماست».(۱)

ب) خوردن خمس و نپرداختن آن مساوی با خوردن آتش است.

در توقیعی که از امام زمان علیه السلام رسیده، این طور آمده است:

و امّا المتلبّسون بِاَموالنا فَمَنْ استحلَّ منها شیئاً فَاَکَلَهَ فانِّمَا یأکل النّیران.(۲)

و اما کسانی که اموال ما را می گیرند، اگر چیزی از آن را برای

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص۵۳۶.

۲- همان، ص ۵۵۰.

خود حلال بدانند و بخورند، مثل این است که آتش می خورند.

ج) تصرف در مالی که خمس آن داده نشده است، جایز نیست.

تصرف و هرگونه استفاده از مالی که خمس آن داده نشده است، حرام و نماز آن فرد با لباسی که خمس آن را پرداخت نکرده باطل است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

ولا یَحِلُّ لِاَحدٍ اَن یشتریَ مِنَ الخُمُسِ شیئاً حتی یَصِلَ الینا حَقُّنا.(۱)

و برای هیچ کس روا نیست از مالی که خمس آن نداده، چیزی بخرد؛ مگر آنکه حق ما را به ما برساند.

حضرت امام خمینی رحمه الله در توضیح المسائل خود می فرماید:

اگر مالی را که خمس آن داده نشده است بخرد، چنانچه حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است.(۲)

همچنین حضرت امام در جایی دیگر می فرماید:

اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده است، لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است.(۳)

منابع خمس

اشاره

منابع خمس

در شرع اسلام، به هفت چیز خمس تعلق می گیرد و در غیر این موارد، خمس واجب نخواهد بود.

۱. غنیمت ها

۱. غنیمت ها

ص:۳۸

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۸۴.

۲- توضیح المسائل المحشی، ج۲، ص۱۳، س ۱۷۶۲.

۳- همان، ج۱، ص۴۵۸، مسئله ۸۲۰.

اگر مسلمانان بـا اجـازه امـام معصوم علیه السـلام با کفار حربی بجنگنـد و غنیمت هایی به دست آنان افتـد، خمس آن واجب است.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

کُلُّ شیءٍ قُوتِلَ علیه علی شهاده اَنْ لا اله الّا الله وَ اَنَّ محمداً رسولُ الله فَاِن لَنا خُمْسَه.(۱)

هر چیزی که در جنگ با کفار، با شـهادت بر وحـدانیت خداونـد و رسالت پیامبر صـلی الله علیه و آله به دست آید، خمس آن برای ماست.

اگر جنگ در حال حضور امام معصوم علیه السـلام بـدون اجازه او باشـد، تمام غنیمت ها برای امام علیه السـلام است. همچنین در حال غیبت امام معصوم علیه السلام اگر جنگی با کفار حربی اتفاق افتد، بنا بر نظر حضرت امام خمینی رحمه الله خمس آن واجب است.(۲)

۲. معادن

۲. معادن

هرچه که در عرف، معدن نامیده شود، خمس دارد. بنابراین، به معدن های طلا، نقره، سرب، روی، آهن، انواع سنگ ها، نفت، نمک، گچ، آهک و... خمس تعلق می گیرد.

زراره می گوید که از امام باقر علیه السـلام درباره آنچه که در معادن واجب است، پرسیدم. حضرت فرمود: «کُلُّ ما کان رِکازاً ففیه الخمس؛ هرچه معدن باشد، دارای خمس است».(۳)

شرط واجب بودن خمس در معدن این است که بعد از استخراج آن،

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۸۷.
۲- تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۵۲.
۳- وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۹۲.

ارزش مواد استخراجی به بیست دینار برسد.(۱)

۳. گنج

۳. گنج

از جمله چیزهایی که خمس دارد، گنج است. گنج عبارت است از هر چیزی که مخفی و دارای ارزش باشد. بنابراین، آنچه را انسان بیابد و مالک آن را نشناسد، در سرزمین کفر یا در سرزمین اسلام باشد؛ در زمین خرابه یا موات باشد؛ ملک یابنده است و باید خمس آن را بپردازد.

همچنین است گنجی را که انسان در شکم حیوان یا ماهی بیابد؛ نخست باید مالک گنج را پیدا کند و درصورتی که مالک نداشت، گنج ملک یابنده است. البته شرط واجب بودن خمس این است که ارزش گنج به بیست دینار یا دویست درهم برسد.(۲)

۴. غَوْص

۴. غَوْص

آنچه با فرو رفتن و غوّاصی در دریا به دست آید، غَوْص نام دارد؛ مانند: مروارید و مرجان. بنابراین، آنچه با غواصی به دست آید، پس از کسر هزینه های آن، اگر به اندازه یک دینار قیمت داشته باشد، باید خمس آن پرداخت شود.(۳)

۵. منفعت کسب

۵. منفعت کسب

هرگاه انسان از راه تجارت، صنعت یا کسب های دیگر، مالی به دست آورد، چنانچه از مخارج سال خود و خانواده اش بیشتر بیاید، باید خمس

۱- تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۵۳.

۲- همان، صص ۳۵۴ و ۳۵۵.

۳- همان، ص۳۵۵.

مـازاد را بدهـد. بنـابراین، منفعت هـایی که انسان از راه کار و اشـتغال به دست می آورد، با داشـتن بعضـی شـرط ها، از موارد خمسی است. در عصر حاضر، به این مورد (منفعت کسب) بیشتر از موارد دیگر خمس تعلق می گیرد.(۱)

۶. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

۶. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

کافری که در کشور اسـلامی زندگی می کند و تحت ذمه مسـلمانان است، اگر زمینی را از مسـلمانی بخرد، باید خمس آن را بپردازد.(۲)

امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

هر کـافری که تحت ذمه دولت اسلام است (یعنی یکی از شـهروندان حکومت اسـلامی است) از مسـلمانی زمینی بخرد، بـاید خمس آن را بپردازد.(۳)

۷. مال حلال مخلوط به حرام

۷. مال حلال مخلوط به حرام

از جمله منـابع خمس، مـال حلاـل مخلوط به حرام است. اگر مـال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که نتوان آنها را از یکدیگر تشـخیص داد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد. در این صورت، بقیه اموال حلال می شود و تصرف در آن جایز است.

بر این اساس، اگر صاحب مال معلوم باشـد، با دادن خمس، آن مال حلال نمی شود و باید مال حرام را به صاحبش بازگرداند. همچنین اگر

۱- تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۵۶.
۲- همان، ص۳۶۱.
۳- وسائل الشیعه، ج۹، ص۵۰۵.

مقدار مال حرام، معلوم باشد؛ اگرچه صاحبش معلوم نباشد، باید آن مقدار را با اجازه حاکم شرع به فقیر صدقه داد و آن مال، با دادن خمس حلال نمی شود.(۱)

مردی خدمت امیر مؤمنان علی علیه السلام آمد و گفت: اموالی را به دست آوردم که در طلب آن، حلال و حرام را نادیده گرفتم و اکنون قصد توبه دارم و نمی دانم چه مقدار آن حلال و چه مقدار حرام است. حضرت فرمود: «خمس آن را پرداخت کن؛ خداوند به این خمس راضی و باقی اموال بر تو حلال می شود».(۲)

گیرنده خمس

گیرنده خمس

شکی نیست که در زمان حضور معصومین علیهم السلام ، خمس را باید کامل به دست آنها رساند. آنها نیز در هریک از موارد شش گانه مورد اشاره آیه ۴۱ سوره انفال که صلاح بدانند، هزینه خواهند کرد. به همین منظور، معصومین علیهم السلام در شهرهایی که حضور نداشتند، وکیل هایی می فرستادند تا وجوه خمس را به وکالت از امام علیه السلام دریافت کنند. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

و لا یَحِلُّ لِأَحدٍ اَنْ یَشْتَرِیَ من الخمس شیئاً حتّی یَصِلُ الینا حقّنا.(۳)

برای احدی جایز نیست با مالی که خمس آن داده نشده است، چیزی بخرد، مگر آنکه حق ما را به دست ما برساند.

بنابراین، باید خمس را به دست امام معصوم علیه السلام رساند تا

ص:۴۲

۱- توضیح المسائل المحشی، ج۲، ص۴۸.
۲- وسائل الشیعه، ج۹، ص۵۰۶.
۳- الکافی، ج ۱، ص ۵۴۵.

پرداخت خمس صدق کند. در زمان غیبت امام زمان علیه السلام ، مسئول خمس، ولی فقیه، حاکم شرع یا مجتهدان جامع الشرایط هستند که به عنوان جانشینان امام معصوم علیه السلام مسئولیت جامعه شیعیان را برعهده دارند. آنان نیز خمس را بر اساس آیه ۴۱ سوره انفال مصرف می کنند.

امام خمینی در این زمینه می فرماید:

نصف خمس که از آنِ اصناف سه گانه است، بنا بر اقوی، امر آن در دست حاکم شرع است. پس ناچار باید به خود او رسانده شود یا به اذن و دستور او خرج گردد؛ همان گونه که این امر نصف دیگر آن، که مال امام علیه السلام است، به حاکم شرع برمی گردد. پس باید به او برسد تا آن را طبق نظر و فتوایش مصرف کند.(۱)

موارد مصرف خمس

موارد مصرف خمس

خداوند در آیه ۴۱ سوره انفال، موارد مصرف خمس را تعیین کرده است:

وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْيَتَامَی وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ.

بدانید هر آنچه غنیمت و فایده بردید، خمس آن برای خدا، رسول، خویشاوند رسول، یتیمان، مساکین و در راه مانده است.

بنابراین، خمس بر شش سهم تقسیم می شود که عبارتند از:

۱. سهم خداوند: شکی نیست که همه آنچه در آسمان و زمین است، برای خداست و خداوند به چیزی نیازی ندارد. بنابراین، اختصاص سهمی از مصرف خمس به خداوند، برای تثبیت حاکمیت قانون های الهی، ولایت پیامبر و رساندن ندای اسلام به گوش جهانیان است که در اختیار پیامبر

۱- تحریر الوسیله، ج۱، کتاب الخمس، ص۳۶۶، س ۱۷.

و بعد از او در اختیار جانشینانش قرار می گیرد.

از امام رضا علیه السلام سؤال شد: آنچه سهم خداست به چه کسی تعلق می گیرد؟ حضرت فرمود: «سهم خداوند به پیامبرش تعلق می گیرد».(۱)

از این روایت استفاده می شود که سهم خداوند به حکومت اسلامی و شخص پیامبر تعلق می گیرد تا در مصلحت اسلام و مسلمانان هزینه کند.

۲. سهم پیامبر: در زمان حیات حضرت، ایشان می توانند از این سهم برای خود و خانواده اش یا مصالح حکومت استفاده کند و بعد از پیامبر نیز در اختیار امام معصوم علیه السلام قرار می گیرد. امام رضا علیه السلام در ادامه حدیث بالا می فرماید: «و ما کان لرسولِ الله صلی الله علیه و آله فهو للامام؛ آنچه سهم پیامبر است، بعد از وفاتش، به امام معصوم تعلق دارد». (۲)

۳. ذی القربی: همان طور که توضیح داده شد، مراد از «ذی القربی»، امام معصومی است که جانشین پیامبر است. بنابراین، در حال حاضر نصف خمس برای امام معصوم علیه السلام است؛ زیرا سهم خداوند و پیامبر و ذی القربی در اختیار امام معصوم علیه السلام قرار می گیرد.

امام کاظم علیه السلام در حدیثی می فرماید: «و لَهُ یعنی لِلامامِ نِصْفُ الخُمسِ؛ نصف خمس برای امام است».(۳)

۴. یتیمان سادات: یک سهم نیز به سادات یتیمی که فقیر هستند، تعلق دارد. البته شرط است که یتیمان باید از سادات، دوازده امامی باشند و به

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص ۵۱۰.

۲- همان.

۳- همان، ص ۵۲۱.

صورت آشکار، اهل معصیت نباشند.(۱)

۵. در راه مانـدگان از سادات: ساداتی که در راه مانـده انـد و توشه ندارند، می توانند از خمس اسـتفاده کنند؛ با این شـرط که شیعه دوازده امامی باشند و به صورت آشکار، اهل معصیت نباشند.(۲)

۶. سادات فقیر: در سادات فقیر نیز شیعه دوازده امامی و اهل معصیت نبودن، شرط است.(۳)

همان طور که اشاره شد، خمس به دو قسم کلی نیز تقسیم می شود: یکی سهم امام است که شامل سهم خداوند، سهم پیامبر و سهم ذی القربی می شود و دیگری سهم سادات است که شامل سهم سادات فقیر، سادات یتیم و سادات در راه مانده می شود.

بر اسـاس روایت ها و نظر فقیهان بزرگوار،(۴) در زمان غیبت امام زمان علیه السـلام ، سـهم امام و سـهم سادات بایـد به حاکم شرع و مجتهد جامع الشرایط سپرده شود تا ایشان با صلاح خود در هریک از موارد مصرف شش گانه، استفاده کند.

بنابراین، ذکر موارد شـش گانه در آیه به این معنی نیست که خمس در این موارد به طور یکسان مصرف می شود، بلکه حاکم می توانـد در موردی بیشتر و در موردی کمتر هزینه کند. امام رضا علیه السـلام نیز به این مطلب اشاره دارد؛ ایشان در پاسخ به این سؤال که اگر از این دسته های شش گانه،

۱- توضیح المسائل المحشی، ج۲، صص ۶۰ و ۶۱.

۲- همان.

۳- همان.

۴- البته برخی فقها اجازه داده اند که مقلدین آنها، سهم سادات را خود، به سادات بپردازند.

دسته ای بیشتر و دسته ای کمتر بودند، چه باید کرد، فرمود:

ذاکَ اِلی الامام اَرایَت رسولُ الله صلی الله علیه و آله کیف یَصْنَع اَلَیْس انّما کَان یُعطی علی ما یَری، کذلک الامام.(۱)

این مسئله به عهده امام است؛ آیا ندیدی که پیامبر چگونه عمل می کرد؟ آیا این طور نبود که پیامبر بر اساس مصلحت خود عمل می کرد؟ امام نیز همان گونه عمل می کند.

نکته دیگر این است که سهم خدا، رسول او و امام که به «سهم امام» معروف است، امروزه در راه گسترش مکتب تشیع و پاسداری از ارزش های آن مصرف می شود. این سهم در واقع، به «مقام رسالت و امامت» مربوط است و جزو اموال شخصی آنها قرار نمی گیرد. بنابراین، هیچ گاه سهم امام از راه ارث به وارثان نمی رسد. البته با این مطلب منافاتی ندارد که پیامبر یا ائمه به مقدار نیاز شخصی شان از سهم امام استفاده کنند.

در روایتی آمده است که شخصی به نزد امام جواد علیه السلام مراجعه کرد و پرسید: «گاهی چیزی می آورند و می گویند که این برای ما باشد؛ آن را چه کنیم؟» حضرت فرمود: «ما کان لِاَبی بسبب الامامه فهو لی و ما کان غیر ذلک فهو میراث علی کتاب الله و سُنّه نبیه؛ هر چه را به عنوان امامت برای پدرم آورده اند، باید به امام بعدی (یعنی من) تحویل دهید، ولی اگر به عنوان امامت نباشد، طبق قانون قرآن و سنت پیامبر میان وارثان تقسیم کنید».(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج۹، ص۵۱۹.
۲- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۴۳.

امتیازهای پرداخت خمس به ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرایط۱

امتیازهای پرداخت خمس به ولی فقیه یا مجتهد جامع الشرایط(۱)

خمس را در عصر غیبت باید به فقیه جامع الشرایط داد. این مسئله امتیازهایی دارد که به آن اشاره می شود:

۱. با توجه به اینکه فقیهان جامع الشرایط، نزدیک ترین فرد از جهت علم و عمل به معصومین علیهم السلام هستند، بنابراین، در مصرف خمس از دیگران آگاه تر هستند.

۲. چون عدالت و دوری از هوس، شرط مرجعیت است، بنابراین، آنها از اسراف به دور هستند.

۳. فقیه، نیازها و ضرورت های جامعه را بهتر می داند.

۴. تمرکز وجوه شرعی نزد فقیه جامع الشرایط، قدرت، عزت، نفوذ کلام و استقلال او را در برابر طاغوت ها بیشتر می کند.

۵. وحدت رویه، امکان برنامه ریزی و جلوگیری از تفرقه، از دیگر برکت های جمع شدن خمس در یک جاست.

۶. تمرکز خمس در یک محل سبب می شود که مستحق خمس بداند که کجا مراجعه کند و سرگردان نشود.

آداب پرداخت۱

آداب پرداخت(۲)

آداب پرداخت خمس به آداب پرداخت زکات شبیه است، ولی چون خمس، حق رسول خدا و امام است و به تعبیر روایت ها، پولی است که

ص:۴۷

۱- مطالب این قسمت از کتاب خمس نوشته حجت الاسلام والمسلمین قرائتی صفحه های ۷۲ و ۷۳ است.

۲- این قسمت از کتاب خمس و زکات حجت الاسلام آقای قرائتی صفحه های ۷۸ _ ۸۰ نقل شده است.

برای کمک به راه خدا، دین خدا و عزت اولیای خدا قرار داده شده است، باید در پرداخت آن کرامت بیشتری از خود نشان داد و به نکات زیر توجه کرد:

۱. بدانیم که مال از خداوند است «مال الله»،(۱) و به ما روزی کرده است «رزقکم الله».(۲) پس بخشی از آن را به راحتی برای خدا بدهیم. اگر کسی مال و ثروت را نتیجه تدبیر و قدرت و تخصص خود بداند، تفکر قارونی دارد. او بود که می گفت: سرمایه من، محصول علم و تخصص من است «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِى».(۳)

۲. گمان نکنیم که خدا و رسول، محتاج ما هستند. امام صادق علیه السلام می فرمود: من از گرفتن خمس شما جز پاک کردن شما و مالتان هدفی ندارم «ما اُريدُ بِذلكِ الا اَنْ تَطَهَّروا.»(۴) و در حدیثی دیگر فرمود: «مَن زَعمَ أنَّ الاِمامَ يَحتاجُ اِلی ما فِی أيدِی النّاسِ فَهُو كافِرٌ وَ اِنَّما النّاسَ يَحتاجُون اَنَ يَقبلَ مِنهم الإمامُ؛ هرکس گمان کند که امام محتاج اوست، کافر است؛ این مردم هستند که به قبول کردن امام نیازمندند».(۵)

هنگامی که این آیه نازل شد: «مَّن ذَا الَّذِى يُقْرِضُ اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا؛ کیست به خدا قرض بدهد»؛ (۶) بعضی از یهودیان گفتند: «خدا فقیر است؛ ولی ما ثروتمند هستیم. به همین دلیل، او از ما قرض خواسته است».(۷)

۱- نور: ۳۳.

۲- یس: ۴۷.

۳- قصص: ۷۸.

۴- وسائل الشیعه، ج۹، ص۴۸۳.

۵- کافی، ج۱، ص۵۳۷.

۶- بقره: ۲۴۵.

۷- آل عمران: ۱۸۱.

حضـرت علی علیه السـلام در نهج البلاغه می فرماید: «خدایی از شـما قرض خواسـته است که خزینه های آسمان ها و زمین به دست اوست.» بنابراین، درخواست قرض الهی یک نوع دعوت به حمایت از مستضعفان و آزمایش مردم است.

۳. خمس را با اشتیاق پرداخت کنیم. قرآن از کسانی که مال خود را با اکراه می پردازند، به شدت انتقاد می کند و می فرماید: «وَلاَ یُنفِقُونَ إِلاَّ وَهُمْ کَارِهُونَ».(۱)

۴. گرفتـار غرور نشویم. قرآن از کسـانی سـتایش می کنـد که مـال خود را بـا میـل درونی می دهنـد، ولی در عین حال نگران نپذیرفتن آن نیز هستند «وَالَّذِینَ یُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ أَنَّهُمْ إِلَی رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ».(۲)

۵. بر گیرنده خمس منت نگذاریم؛ زیرا منت گذاری، پاداش پرداخت را از بین می برد.

۶. در پرداخـت خمس عجلـه کنیـم؛ زیرا عجلـه در کـار خیر یـک ارزش اسـت و چه خیری از حمـایت مکتب اهـل بیت علیهم السلام و کمک به فقیران فرزندان پیامبر بهتر است.

۷. کـار خود را بزرگ نپنـداریم؛ انسـان اگر به جهـان هستی، عظمت قـدرت الهی و ضـعف هـای خود توجهی کنـد، هرگز به بزرگ بینی خود و کار خود دچار نمی شود. امام سـجاد علیه السـلام در پاسخ کسانی که به عبادت بسیار او انتقاد داشتند، می فرمود: «عبادت من کجا و عبادت جدم، علی بن ابی طالب علیه السلام کجا». پیامبر می فرمود: «ما عَبَدْناک حَقَّ عِبادِتک

۱- توبه: ۵۴.

۲- مؤمنون: ۶.

وَ مَا عَرفْناکَ حَقَّ مَعرفَتِک».(۱)

۸. هنگـام حسـاب سال، مال خود را با دقت حساب کنیم. در حـدیثی از امام صادق علیه السـلام چنین نقل شـده است: «وای بر کم فروشان که هنگام خمس دادن، از آل محمد صلی الله علیه و آله کم می گذارند».(۲)

آسیب شناسی و موانع پرداخت خمس

اشاره

آسیب شناسی و موانع پرداخت خمس

امروزه، بی تـوجهی و سـهل انگـاری در انجـام این واجب الهی بیشـتر از گذشـته احسـاس می شـود. این امر، ضـرورت آسـیب شناسـی مسئله خمس را دو چنـدان کرده است تـا بـا استفاده از آن بتوان راهکارهای اصـلاحی مناسبی را به دست آورد؛ این آسیب ها عبارتند از:

۱. جهل

اشاره

۱. جهل

یکی از آسـیب هـای بحث خمس و موانع روی آوردن مردم به پرداخت این مالیـات دینی، جهـل و بی اطلاعی از واجب بودن خمس است؛ برخی افراد تصور می کننـد که موضوع خمس، در دین جایگاهی نـدارد و در قرآن به آن اشاره نشده است و در واقع، ساخته و پرداخته روحانیون است. این عامل سـبب شـده است برخی افراد به این تکلیف الهی اهمیت ندهنـد و دغدغه آن را نداشته باشند.

این در حالی است که بر اساس آنچه در فصل های گذشـته به آن اشاره شـد، علاوه بر قرآن، روایت های فراوانی در این مورد وارد شده است که به واجب بودن خمس صراحت دارد و به منکران آن وعده عذاب داده است.

ص:۵۰

۱- بحار الانوار، ج۶۸، ص۲۳.

۲- همان، ج۹۳، ص۱۸۹.

ناآگاهی تنها به وجوب و ضرورت خمس مربوط نیست. گاهی از واجب بودن امری آگاهیم، اما از مصرف یا منابع آن اطلاع نداریم. می خواهیم خمس بدهیم، اما نمی دانیم به چه چیزی تعلق می گیرد و به چه چیزی تعلق نمی گیرد. می دانیم خوردن مالی که خمس آن داده نشده است، جایز نیست، اما نمی دانیم کیفیت و شیوه محاسبه خمس چگونه است و مستحق آن کیست.

بنابراین، می توان گفت جهل و نادانی، بالاترین آسیب و مانع در روی آوردن به این تکلیف شرعی، ارزیابی می شود.

راهکار: مبارزه با جهل و ناآگاهی هم وظیفه فردی و هم وظیفه نهادها اجتماعی است.

وظیفه فرد

وظیفه فرد

تا خود انسان نخواهد، کسی نمی تواند او را آگاه سازد. نخستین قدم این است که انسان، مسئولیت پذیر باشد. او باید بداند که یادگیری اموری که در زندگی مورد نیاز است، لازم و ضروری است. احکام دینی نیز به همین صورت است. می دانیم که اسلام تکلیف هایی را برای رستگاری انسان تشریح کرده است. پس باید آنها را یاد بگیریم. به صرف اینکه از چیزی اطلاع نداریم، نمی توانیم آسوده باشیم و خود را بی تکلیف بدانیم.

در روایتی امام صادق علیه السلام در مورد وجوب و ضرورت یادگیری احکام دین می فرماید:

اِنّ اللّه تَعالَی یَقولَ لِلْعبدِ یَومَ الْقیامه عَبدی اَکُنْتَ عالماً فَاِنْ قال نَعَم قال لَهُ اَفلا عَمِلْتَ بما عَلِمتَ و اِن قال کُنتُ جاهلاً قال لَهُ اَفَلا

تَعلّمْتَ حتی تَعْمَلَ فَيَخْصِمُهُ وَ ذلک الحجّهُ البالغه.(۱)

خـدای متعـال در روز قیامت به بنـده خود گویـد: «بنـده من آیا می دانستی؟ اگر بگویـد: «آری» به او می فرمایـد: «پس چرا به آنچه می دانستی، عمـل نکردی؟» و اگر بگویـد: «نمی دانسـتم و جاهـل بودم» به او می فرمایـد: «چرا نیـاموختی تا عمل کنی؟» پس او را محکوم می کند و این حجت رسا است.

وظیفه خانواده

وظیفه خانواده

بهترین محیطی که می توانـد در امر آموزش مهم باشـد، خانواده است. خانواده های مذهبی ــ که به پرداخت خمس و رعایت احکام آن پای بنـد هسـتند ــ می تواننـد فرزندان خود را از دوران نوجوانی با احکام خمس آشـنا سازند. برای نمونه، آنان می تواننـد به هنگام سررسـید سال خمسـی، در یک نشـست خانوادگی، با حضور همه افراد خانواده، مال و درآمـدهای باقی مانده پس از یک سال را بررسـی کننـد و از فرزنـدان نیز بخواهنـد در این باره اطلاعاتی را ارائه دهند. بدیهی است فرزندان با دیدن این صـحنه و گفت وگوهـای آن، پرسـش هـایی را در ذهن خود آمـاده می کننـد و خواسـتار پاسـخ گویی به آنها هسـتند. بی تردید، این عمل، روش خوبی برای نهادینه کردن پرداخت خمس در میان فرزندان است.

این نوع آموزش یـک طرفه نیست؛ یعنی تنهـا از سوی پـدر و مادر به فرزنـدان آموزش داده نمی شود، بلکه می توانـد از سوی فرزنـدان نیز عملی شود، برای مثال، جوانی مـذهبی را در نظر بگیریم که به احکام خمس آشـنا شـده و به پرداخت آن پای بند است، اما پدر و مادر یا دیگر افراد خانواده او با خمس

۱- امالی مفید، ج۱، ص۲۲۸.

آشـنا نیسـتند. او می توانـد با طرح بحث خمس و اینکه تصـرف مالی که خمس آن داده نشـده است، جایز نیست یا اینکه نماز خوانـدن با لباسـی که خمس آن داده نشـده، باطل است، به آموزش احکام خمس در میان افراد خانواده بپردازد. حتی خانواده ها در ارتباط با دیگر خانواده ها می توانند آنان را با احکام خمس آشنا سازند.

وظیفه حوزه های علمیه و روحانیت

وظیفه حوزه های علمیه و روحانیت

اولین وظیفه روحانیت و حوزه های علمیه، آموزش دینی عموم مردم است. اگر مردم به احکام دینی خود آشنا نیستند، در وهله نخست، روحانیت بایـد تلاش خود را دو چنـدان کنـد و جهل را از جامعه بزدایـد. این آموزش به مساجد منحصـر نیست، بلکه مدارس، دانشگاه ها، مجمع های فرهنگی، کتاب و رسانه ها از جمله ابزارهایی هستند که می توانند به این امر کمک کنند.

متأسـفانه پس از انقلاب اسـلامی به بیان احکام دینی بی توجهی شـد و به همین دلیل، مشـکل هایی به وجود آمـد. البته چندی است شبکه های سراسری و استانی صدا و سیما به این موضوع توجه می کنند.

مطلب مهم دربـاره خمس این است که روحـانیون بیشـتر در آموزش و بیـان احکـام شـرکت کننـد و در گرفتن خمس و وجوه شرعی، کمتر دخالت کنند و مردم را به دیگر مرکزها مثل امام جمعه شـهر یا نمایندگان مراجع ارجاع دهند. این کار سـبب می شود تا آنها از اتهام ها دور باشند.

نکته دیگری که می توانـد شـک و تردیـدها را از بین بـبرد، این است که روحـانیون نبایـد در پرداخت خمس اصـرار و تـأکید کنند؛ بلکه باید تأکید

ص:۵۳

آنان بر انجام این واجب مانند دیگر امور واجب تفاوتی نکند.

وظیفه نهادهای آموزشی

وظیفه نهادهای آموزشی

نهادهای آموزشی مانند آموزش و پرورش، دانشگاه ها و مجموعه های فرهنگی می توانند در این موضوع فرهنگ سازی کنند. اختصاص بعضی موضوع های کتاب های درسی به خمس، برگزاری مسابقه هایی با موضوع خمس، دعوت از صاحب نظران حوزه و دانشگاه برای بیان کردن خمس، پاسخ به شبهه ها و... از جمله راهکارهایی است که این سازمان ها می توانند انجام دهند.

۲. رخنه شبهه ها

۲. رخنه شبهه ها

گاهی وجود شبهه ها و پرسش هایی در ذهن افراد موجب می شود که به پرداخت خمس بی رغبت شویم. برخی افراد نسبت به خمس و احکام آن آگاهی و اطلاع دارند، اما ممکن است رسوخ شبهه ها آنها را در انجام این تکلیف سهل انگار کند. این شبهه ها بیشتر از وسوسه های شیطان ناشی می شود که همیشه مانع خیر است؛ زیرا ابلیس قسم یاد کرده است انسان را گمراه کند. او همیشه در کمین است تا به روش های مختلف، انسان را از رستگاری باز دارد.

البته برخی شبهه ها ممکن است ریشه شیطانی نداشته باشد و از بی اطلاعی نسبت به احکام ناشی شود. از این رو، شایسته است همیشه خود را به سلاح ایمان و علم مسلَح کنیم تا راه های نفوذ این دشمن قسم خورده بسته باشد.

در بخش شبهه ها به بعضی از این شبهه های علمی اشاره می کنیم و پاسخ خواهیم داد. در اینجا چند شبهه شیطانی را مطرح

می کنیم و پاسخ می دهیم.(۱)

۱. گـاهی شـیطان به انسـان وعـده فقر می دهـد؛ یعنی می گویـد اگر خمس یـا زکات بـدهی، فقیر و محتاج می شوی. آن گاه کسی نیست که از تو حمایت کند. بنابراین، اموالت را حفظ کن؛ چون روزی به کار تو می آید.

قرآن نیز به این وسوسه شـیطان اشاره دارد و می فرمایـد: «الشَّیْطَانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ؛ شـیطان شـما را (به هنگام انفاق) وعده فقر می دهد». (بقره: ۲۶۸)

خداوند نیز در مقابل این وعده شـیطان، وعده هایی به بندگانش داده است؛ از جمله اینکه می فرماید: «وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ؛ و هر چه را انفاق کردید، او عوض آن را می دهد». (سبا: ۳۹)

همچنین می فرماید: «وَمَا تُقَدِّمُواْ لأَنفُسِکُم مِّنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللّهِ؛ و هرگونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید، آن را نزد خدا باز خواهید یافت». (بقره: ۱۱۰)

انفـاق هـای ما در دنیاماننـد چیـدن شاخ و برگ های اضافی درختان در زمسـتان است که در بهار موجب میوه بیشتر می شود. بنابراین، نباید تسلیم وسوسه شیطان شد، بلکه باید به وعده های الهی امیدوار بود.

۲. مرحله دیگر از وسوسه شـیطان این است که می گویـد: «خمس واجب است، ولی حالاـ عجله نکن. سود و زیان هنوز معلوم نشده است. شاید در آینده ضـرر کردی. امسال سود بردی، شاید سال آینده ضرر کردی.» اینها همه وسوسه های شیطانی است تا در انجام کار خیر تأخیر افتد.

قرآن با تأخیر در انجام کارهای خیر مخالفت می کند؛ زیرا آینده برای

۱- برگرفته از: کتاب خمس و زکات، صص۴۵ _ ۵۱.

انسان معلوم نیست و ممکن است هیچ گاه توفیق انجام آن را پیدا نکند. خداوند در آیه ۱۴ سوره حدید با ردّ وسوسه شیطان، گفت وگوی منافقان و مؤمنان را در روز قیامت این گونه بیان می کند که منافقان به مؤمنان التماس می کنند: «به ما نگاهی کنید تا از نورتان استفاده کنیم»، ولی جواب رد می شنوند. دوباره می گویند: «آیا ما در دنیا با شما نبودیم؟» مؤمنان بهشتی جواب گویند: «بله، ولی شما خودتان را فریب دادید و در کار خیر، امروز و فردا کردید».

۳. وسوسه دیگر شیطان این است که می گوید: «خدا خواسته است که عده ای فقیر و عده ای ثروتمند باشند. اگر خدا می خواست، می توانست همه را ثروتمند کند. بنابراین، کمک به دیگران و پرداخت خمس یا زکات جایگاهی ندارد».

در جواب باید گفت این دادن ها و گرفتن های الهی برای آزمایش و امتحان است تا آن کس که ثروت دارد از خود، سخاوت و کسی که فقیر است، از خود صبر و قناعت نشان دهد. یکسان سازی افراد سبب از بین رفتن بسیاری از صفات نیکو چون سخاوت، صبر، قناعت و ایثار می شود.

۴. گاهی انسان بر اثر وسوسه شیطان این طور می گوید: «من کارهای خیر بسیاری انجام داده ام؛ به فقیران کمک می کنم؛ صله رحم انجام می دهم؛ در راه امام حسین علیه السلام خرج می کنم. بنابراین، خمس دادن لازم نیست».

جواب این است که ما مسلمان هستیم و باید تابع حکم خداوند باشیم. انجام عمل مستحب ثواب فراوانی دارد، اما خداوند از ما انتظار دارد ابتدا عمل های واجب را انجام دهیم. که یکی از آنها همین پرداخت خمس

است. سپس در صورت علاقه داشتن، کارهای مستحب را انجام دهیم.

۳. بخل

۳. بخل

صفت بخل و خساست از زشت ترین رذیلت ها است. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود: «اَلبخیلُ بَعیدٌ مِنَ اللهِ بَعیدٌ مِن النّاسِ بَعیدُ مِنَ الْجنّهِ قَریبٌ مِنَ النّار؛ انسان بخیل از خداوند دور، از مردم دور، از بهشت دور، [ولی] به آتش جهنم نزدیک است».(۱)

در حدیثی دیگر، امام کاظم علیه السلام می فرماید: «البخیل مَن بَخِلَ بِما افْتَرَضَ اللهُ عَلیه؛ بخیل کسی است که در کارهای واجب الهی بخل بورزد».(۲)

بنابراین، کسی که خمس یا زکات نپردازد، بخیل است و بخل سبب می شود انسان، از خداوند دور شود و در شمار افراد بیان شده در حدیث اول قرار گیرد.

در حقیقت، انسان بخیل، به خدای خود بدگمان است. او فکر می کند که اگر مالی را در راه خدا مصرف کرد، این مال از دست او رفته است و خداوند قدرت آن را ندارد که دوباره به او مال دهد. فکر می کند که اگر خمس مالش را پرداخت کرد، فقیر می شود. او فقط در فکر اندوختن مال خود است و حتی آن را برای خود نیز مصرف نمی کند، چه رسد به اینکه برای دیگران خرج کند.

بدون شک، بهترین راه مبارزه با این صفت زشت، تفکر در صفت و قدرت الهی است. انسان بخیل باید بداند که همه آنچه در آسمان و زمین

۱- مستدرک الوسائل، ج۷، ص۱۳.

۲- کافی، ج۴، ص۴۵.

است، برای خداست و اوست که به بندگان و همه جانداران روزی می دهد و هر آنچه را انسان در راه خدا انفاق کند، خداوند آن را به بهترین صورت جبران می کند: «وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ و هر چه را انفاق کردید، عوضش را او می دهد و او بهترین روزی دهندگان است».(۱)

همچنین در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که عطاکننده خمس در کارهایش سهولت دارد.(۲)

۴. کلاه شرعی

۴. کلاه شرعی

در میان افراد جامعه، قشرهای مختلفی هستند که به احکام دین پای بندند و تکلیف های عبادی و مالی خود را به خوبی انجام می دهند، اما برخی از آنها به دلیل های مختلف از جمله وسوسه های شیطانی یا بخل، به دنبال راه های فرار از پرداخت خمس هستند و در اصطلاح به دنبال «کلاه شرعی» هستند. هیچ کدام از این راه ها ساقط کننده خمس نیستند. برای مثال، دو روز قبل از فرا رسیدن سال خمسی، به خرید می روند و لوازمی می خرند که یا احتیاج ندارند یا در شأن آنها نیست (مانند اجناس لوکس و گران قیمت) تا به همسر خود یا دیگران هدیه دهند.(۳)

کار این افراد را می توان چنین تحلیل کرد که خود را در برزخ می بینند. از یک طرف، دادن خمس را برابر با زیان مالی می دانند و از طرفی هم نمی خواهند آشکارا از زیر بار تکلیف الهی شانه خالی کنند و گناهکار باشند. ازاین رو، به دنبال «محمل های شرعی» یا «کلاه شرعی» هستند تا از

۱- سبأ: ۳۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج۷، ص ۲۸۰.

۳- البته هدیه دادن کار خوبی است؛ اما اگر انگیزه از هدیه، فرار از خمس باشد، عمل شایسته ای نیست.

این بن بست خارج شوند و وجدانشان آرام گیرد.

حضرت امام خمینی رحمه الله در پاسخ به استفتایی که سؤال شده بود: «زن و شوهری برای اینکه به مال آنها خمس تعلق نگیرد، قبل از رسیدن سال خمسی شان، سود سالانه خود را به یکدیگر هدیه می کنند؛ امیدواریم حکم خمس آنها را بیان کنید»، فرمود:

با این گونه بخشش که صوری و برای فرار از خمس است، خمس واجب از آنان ساقط نمی شود.(۱)

۵. محسوس نبودن آثار پرداخت خمس

۵. محسوس نبودن آثار پرداخت خمس

انسان موجودی است که با حس های پنج گانه، بسیار سروکار دارد؛ به طوری که یافته های حسی بر رأی و نظر او تأثیر فراوانی دارد. حتی ممکن است با تکیه بر یافته های حسی خود، خلاف یافته های عقلانی عمل کند.

با توجه به این مقدمه، در موضوع خمس، افراد دو دسته اند: دسته ای با تکیه بر اعتمادی که به مرجع تقلید و وکیل های آنها دارند، خمس را می پردازند و هیچ گاه در مورد مصرف آن جست وجو نمی کنند و اطلاع یا بی اطلاعی از شیوه مصرف آن در پرداخت آنها تأثیری نخواهد داشت.

دسته ای دیگر هستند که به مرجع و وکیل های آنان اعتماد لازم را دارند و انگیزه آنان در پرداخت خمس، انجام فرمان الهی است، اما به شیوه مصرف آن نیز اهمیت می دهند. آنها دوست دارند بدانند مالیات های دینی، مانند خمس و زکات، چگونه و در چه راهی مصرف می شود. بنابراین، اطلاع رسانی برای این گروه در تشویق به پرداخت خمس یا زکات اهمیت فراوان خواهد داشت.

ازاین رو، لازم است دفتر مراجع با بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی، در

۱- توضیح المسائل، ج۲، ص۶۹، س۸۵۷.

این زمینه اطلاع رسانی کنند و دیگران را به انجام این تکلیف واجب، تشویق کنند.

فصل ششم: باید ها و نبایدهای برنامه سازی

ص:۶۰

فصل ششم: باید ها و نبایدهای برنامه سازی

۱. اهمیت دادن به خمس: متأسفانه پس از گذشت چندین سال از عمر رسانه ملی، در کشور اسلامی، غیر از بیان احکام خمس، هنوز کار مهمی برای فرهنگ سازی درباره خمس صورت نگرفته است. این امر تنها به خمس اختصاص ندارد، بلکه زکات نیز پرونده ای درخشان تر از خمس ندارد.

آیا خمس موضوعی کم اهمیت است یا اینکه رسانه از رسالت خود فاصله دارد؟ بدیهی است با وجود تأکید فراوان قرآن، وجود روایت های بسیار در این زمینه و سیره عملی و قطعی معصومین علیهم السلام و عالمان عامل، شکی باقی نمی ماند که رسانه باید بیش از گذشته، تلاشش را برای ترویج این واجب الهی به کار بندد.

۲. توجه دادن به آثار پرداخت خمس: پرداخت خمس آثار بسیاری دارد ــ که در فصل مربوط به آن، اشاره شده است ــ . بنابراین، باید این اثرها در برنامه ها گوشزد شود. نباید چنین تصور شود که خمس، تنها پرداخت مقداری پول است، بلکه باید آن را همانند عبادتی فرض کرد که پرداخت کننده آن بیشترین سود را می برد و اعراض کننده از آن، زیان کار

است. این اثرها تنها مربوط به آخرت نیست، بلکه اثرهای دنیوی بسیاری نیز دارد.

۳. توجه به داستان ها در برنامه سازی ها: زندگی عالمان دینی سرشار از داستان های عبرت آموز است که می تواند الگوهای خوبی در جامعه باشد. در موضوع خمس نیز داستان هایی از عالمان وجود دارد که نشان دهنده زهد، احتیاط در مصرف و پرهیز از اسراف و زیاده روی در شیوه عملی آنان است. این داستان ها می تواند جامعه را در اعتدال مصرف عمومی، کسب اعتماد مردم و روی آوردن به پرداخت خمس کمک کند.

۴. برقراری ارتباط میان خمس با نماز و حج: خمس، عبادتی مستقل است که همگان به آن دعوت شده اند. البته با توجه به پیوندی که در فقه و احکام، میان خمس از یک سو و نماز و حج از سوی دیگر بیان شده است، می توان از این ارتباط برای بیان اهمیت خمس استفاده کرد؛ زیرا نماز شخصی که خمس نمی دهد، یا صحیح نیست یا مقبول نیست؛ در مورد حج نیز همین گونه است.

۵. تأکید بر آموزش خمس در خانه: همان طور که در فصل های گذشته اشاره شد، خانواده و خانه، نقش بی بدیلی در درونی سازی احکام و آموزه های دینی دارند. در فیلم های خانوادگی، موضوع خمس می تواند یکی از موضوع های فرعی در میان افراد خانواده باشد.

۶. محدود نکردن خمس به گروهی خاص: فیلم ها و سریال هایی که ساخته می شود، نباید این امر را به ذهن مخاطبان تداعی کند که خمس مربوط به گروه و افراد خاصی است و بقیه از پرداخت آن معاف هستند.

ص:۶۲

بایـد همه گروه ها در این امر مشارکت کنند. افراد سـنتی، متجدد، کم درآمد و ثروتمند، بازاری، کارمند، کارگر، بی کار زن و مرد باید در فرهنگ سازی برای خمس تلاش کنند.

۷. بهره گیری از همه فرصت ها: بایـد از همه فرصت های رسانه ملی برای ترویـج فرهنگ خمس بهره برد و نباید آن را به بیان احکام و شـیوه های سـنتی منحصـر کرد؛ اگرچه این روش ها هم در جای خود پسندیده است. فیلم ها و سریال های مختلفی از رسـانه ملی پخش می شود که به طور معمول مخاطبان زیادی دارنـد. آیا این امر، فرصت مناسبی برای طرح موضوع های دینی از جمله خمس، به صورت فرعی و غیر مستقیم نیست؟ آیا هدر دادن این فرصت ها غصه دار نیست؟

۸. تأکیـد بر تفـاوت میـان خمس و مالیات های دولتی: برخی افراد به علت ناآشـنایی با احکام دینی، فکر می کننـد با پرداخت مالیات های دولتی، دیگر به پرداخت خمس نیازی نیست، درحالی که این فکر صـحیح نیست و ما در فصل های قبل به تفاوت این دو اشاره کردیم. رسانه می تواند در میزگردها یا در گفت وگو با شخصیت های فیلم، به بیان و شرح تفاوت های خمس با مالیات های دولتی بپردازد و حتی به مزیت های خمس در مقایسه با دیگر مالیات ها اشاره کند.

۹. تأکیـد بر منّت نگذاشـتن بر مصـرف کننـدگان خمس: در فصـل مربوط به موارد مصـرف خمس گفته شـد که خمس به دو قسـمت تقسـیم می شود: یک قسمت به امام زمان[مربوط است که در عصر غیبت، برای ترویج دین مصرف می شود و قسمت دیگر آن به سادات فقیر مربوط است.

ص:۶۳

در رسانه باید تأکید شود که خمس حقی است برای پیامبر و خویشاوندانش که خداوند در اموال افراد توان مند قرار داده است و نبایـد پرداخت کننـدگان خمس از این جهت بر مصـرف کننـدگان آن منّت بگذارند. در واقع، پرداخت کنندگان باید شاکر باشند که با مال خود، دین خدا را یاری کرده اند و از این راه مال و اولادشان پاک و پاکیزه شده است.

فصل هفتم: راهکارهای پرداختن به خمس در برنامه های رسانه

اشاره

ص:۶۴

فصل هفتم: راهکارهای پرداختن به خمس در برنامه های رسانه

زیر فصل ها

الف) ساختار دراماتیک

ب) زیرنویس ها، پلاتو و پیام مجری

ج) گفتوگوهای مردمی

د) پاسخ به شبهه ها

الف) ساختار دراماتیک

الف) ساختار دراماتیک

۱. در گره گشایی داستان و ماجرای دراماتیک می توان از خمس و اثرهای آن بهره جست؛ همچنین در مورد گره افکنی و ایجاد مشکل، از سبک شماری و بی اعتنایی نسبت به پرداخت خمس استفاده کرد.

۲. در فیلم ها باید پرداخت خمس یا زکات امری عادی باشد و کار عجیب و غریبی جلوه داده نشود.

۳. در شخصیت پردازی داستان، نباید پرداخت کنندگان خمس از گروه خاصی باشند.

۴. در روند داستان به اثرهای مال خمس داده شده، به پاکی نسل ها و روحیه های آنان توجه شود. همچنین به اثرهای پرداخت خمس در موفقیت قهرمان داستان اشاره شود.

۵. باید در داستان های فیلم تأکید شود مالی که خمس آن داده نشده است، حرام است و تصرف در آن جایز نیست و اگر فرد با آن نماز گزارد یا حج کند، باطل است.

۶. در بیان آسیب شناسی ناهنجاری ها، به نقش پرداخت نکردن خمس

ص:۶۵

در این ناهنجاری ها و منکرها اشاره شود.

۷. همان طور که در فصل های گذشته اشاره شد، بیشترین مصرف خمس در حال حاضر در حوزه های علمیه است. برای بیان زهد در مصرف می توان به زندگانی شیخ مرتضی انصاری یا حضرت امام خمینی رحمه الله اشاره کرد.

۸. گفت و گوی افراد خانواده یا دوستان اداری در فیلم ها، می تواند درباره احکام خمس باشد. برای مثال:

ـ فرزند خانواده که هدیه و عیدی هایی دریافت کرده است، سؤال می کند که آیا اینها خمس دارند؟

ـ دانشجویی که مخارج او را دیگران تأمین می کنند، از روحانی دانشگاه سؤال کند که حکم مال او از نظر خمس چگونه است؟

ـ همسری که در بیرون از خانه به شغلی اشتغال دارد و دارای درآمد است، با این پرسش روبه رو شود که آیا او هم باید خمس بدهد؟

ـ مادری می خواهد به حج رود، اما نمی داند که خمس اموالش را باید بدهد؛ فرزند او که از این مسئله آگاه است، او را مطلع می کند.

ـ به فردی ارثی رسیده است، ولی حکم خمس آن را نمی داند.

ـ پدری بازنشسته می شود و به او پاداش پایان خدمت می دهند. وی از روحانی محل سؤال می کند که آیا باید خمس آن را بدهد؟

ـ شخصی خانه خود را می فروشد، ولی حکم خمس آن را نمی داند؟

ـ شخصی از خمس بدهکار شده است، اما اگر بخواهد آن را بپردازد

سرمایه اش کم می شود و یا با مشکلاتی روبه رو می شود. بنابراین، از روحانی سؤال می کند که چه کند؟

ـ دو فامیل با هم رابطه دارند، اما یکی خمس می دهد و دیگری به آن اعتقاد ندارد. فرزند از پدر سؤال می کند آیا می توانیم از اموال آنها استفاده کنیم و مثلاً غذای آنها را بخوریم؟

۹. در روند فیلم ها، وصیت به پرداخت خمس گنجانده شود. برای مثال، شخصی در آخرین لحظه های عمرش وصیت می کند که خمس همه اموالش یا بخشی از آن پرداخت شود.

۱۰. در فیلم ها به قصد قربت و رضایت باطنی پرداخت کنندگان خمس توجه شود.

۱۱. در فیلم ها توجه شود که روحانیون محل، خود، متصدی دریافت خمس نباشند، بلکه روحانیون، افراد را به دفتر مراجع هدایت کنند.

۱۲. در فیلم ها به نقش خمس در استقلال حوزه های علمیه و نفی وابستگی به طاغوت اشاره شود.

ب) زیرنویس ها، پلاتو و پیام مجری

ب) زیرنویس ها، پلاتو و پیام مجری

۱. خمس، پشتوانه دین است؛ با پشتیبانی از دین، رضایت الهی را کسب کنیم.

۲. خمس، دستگیری از خویشاوندان نیازمند پیامبر است؛ این فرصت ارزشمند را از دست ندهیم.

۳. اموال و دارایی های ما، وسیله آزمایش ماست؛ با پرداخت خمس از این آزمایش، سربلند خارج شویم.

۴. خمس تنها مالیاتی است که با رضایت و بدون اجبار از سوی

صاحبان آن پرداخت می شود.

۵. پرداخت خمس، برای زندگی دنیوی، برکت و برای زندگی اخروی، رستگاری ارمغان می آورد.

۶. پرداخت خمس نشانه کمال ایمان است.

۷. پرداخت خمس نشانه غلبه بر بخل و خودخواهی و تجلی ایثار و بخشندگی است.

۸. با پرداخت خمس، در دفاع از دین سهیم شویم.

۹. پرداخت خمس، انسان را حسابگر، دقیق، وظیفه شناس، مسئول نسبت به محرومان و حامی ارزش های الهی تربیت می کند.

۱۰. با پرداخت خمس، روح سخاوت و نوع دوستی شکوفاتر و بی اعتنایی و خودخواهی برطرف می شود.

۱۱. پرداخت خمس، راهی برای ایجاد الفت و محبت میان طبقه های مختلف و جلوگیری از ایجاد شکاف های عمیق طبقاتی است.

۱۲. پرداخت خمس، رابطه انسان را با خدا از راه قصد قربت در پرداخت، با محرومان از راه کمک به یتیم ها و فقیران، با حاکم معصوم از راه کمک به فقیهان عادل، با خودش از راه مهار کردن صفت زشت حرص و بخل و بی اعتنایی به دیگران، با نسل آینده از راه حلال کردن لقمه ها و با پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش علیهم السلام از راه رسیدگی به سادات محروم، تنظیم، تصحیح و تقویت می کند.

ج) گفتوگوهای مردمی

ص:۶۸

ج) گفتوگوهای مردمی

۱. آیا تا به حال خمس داده اید؟

۲. اولین باری که خمس دادید، چه موقع بود و چگونه انجام گرفت؟

۳. چرا خمس می دهید؟

۴. چگونه به این فکر افتادید که خمس دهید؟

۵. چه کسی مشوّق شما بود؟

۶. به نظر شما پرداخت خمس چه اثرهایی در زندگی دارد؟

۷. اگر خمس ندهیم، چه عواقبی دارد؟

۸. می توانید آیهای از قرآن بخوانید که دستور به خمس داده است؟

۹. فکر می کنید چرا بعضی ها به انجام این واجب تمایل ندارند؟

۱۰. به نظر شما چگونه میتوان فرهنگ پرداخت خمس را گسترش داد؟

۱۱. شما با کسانی که خمس پرداخت نمیکنند، چگونه رفتار میکنید؟

د) پاسخ به شبهه ها

د) پاسخ به شبهه ها

۱. اگر خمس بر هر درآمدی واجب است، پس چرا خلیفههای مسلمانان و پادشاهان آن را نمی گرفتند؟

دلیل و برهان ما کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است و رفتار دیگران برای ما حجت نیست.

اگر در رفتار خلیفههای مسلمانان و پادشاهان، از گرفتن خمس نشانی نیست، در تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نشانههای فراوانی از خمس است. در نامههایی که پیامبر به سران قبیلهها مینوشت، از خمس سخن گفته شده است، درحالیکه در آن منطقهها جنگی نبود که

بگوییم مراد از خمس، غنیمت ها جنگی است؛ بهعلاوه اینکه، خلیفهها و پادشاهان بر اساس دیدگاه اهل سنت رفتار میکردند که خمس بر درآمد را جایز نمیدانند.

۲. آیا اختصاص نیمی از خمس به سادات و خویشاوندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک نوع امتیاز نژادی و تبعیض محسوب نمیشود؟

نخست اینکه نیمی از خمس اختصاص به «سادات فقیر و نیازمند» دارد و به سادات غیر نیازمند تعلق نمیگیرد. دوم اینکه باید به اندازه احتیاج یک سال، از خمس، به سادات فقیر پرداخت کرد. سوم اینکه سادات فقیر از زکات محرومند و حق استفاده از زکات را ندارند. بنابراین، با توجه به سه دلیل یاد شده روشن میشود که هیچگونه تفاوتی میان سادات و غیر سادات وجود ندارد؛ سادات نیازمند از خمس و غیر سادات نیازمند از زکات استفاده میکنند.

در حقیقت، دو صندوق وجود دارد: یکی برای سادات و دیگری برای غیر سادات که هر دو برای رفع فقر و دارای قوانین یکسانی هستند.

۳. اگر این دو صندوق با هم فرقی ندارند، پس چرا ادغام نشدند؟

زکات جزو اموال عمومی و خمس از بودجههای حکومتی است و قصد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بوده که بستگانش از اموال عمومی دور باشند و اگر فقیری در بستگانش وجود داشت، حاکم اسلامی به او رسیدگی کند.

از طرف دیگر، جدا شدن این دو صندوق هم، نوعی احترام به شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بستگان ایشان است و این تفاوت به معنی تبعیض نیست، همچنان که احترام استاد با غیر استاد فرق دارد.

ص:۷۰

خلاصه آنکه سادات نیازمند با غیر سادات نیازمند فرقی ندارند و اختصاص صندوقی خاص به سادات برای مصالحی بوده است که اشاره شد.(۱)

۴. چرا در قرآن یک آیه درباره خمس آمده است، اما درباره زکات آیههای فراوانی وجود دارد؟ آیا این نشانه اهمیت بیشتر زکات نیست؟

نخست اینکه اندکی یا فراوانی آیه درباره موضوعی، نمیتواند دلیل قطع بر میزان اهمیت باشد؛ همچنان که نام حضرت موسی و ابراهیم علیهما السلام در آیه های فراوانی آمده است، ولی نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها دو بار ذکر شده است. با این حال، به طور یقین، پیامبر از همه پیامبران گذشته برتر است. بنابراین، فراوانی آیه درباره زکات، دلیلی بر اهمیت بیشتر زکات نیست.

دوم اینکه زکات در قرآن معنای عامی دارد که هم شامل انفاقهای مستحبی و واجب و هم به معنی پاکی است. تنها یک آیه(۲) به وجود پرداخت زکات اشاره دارد. بنابراین، تمام آیههای زکات در قرآن درباره زکات وجوبی نیست.(۳)

سوم اینکه چون خمس مربوط به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خویشان ایشان بوده، کمتر در قرآن به آن اشاره شده است تا کسی توهم نکند که حضرت به دنبال منفعت شخصی و فامیلی خویش است. چون زکات مربوط به عموم مردم بوده، خداوند در قرآن از آن بیشتر یاد کرده است تا فراموش نشود.

۱- تفسیر نمونه، ج۷، صص۱۸۲_ ۱۸۵؛ خمس و زکات، صص ۶۳ _ ۶۵.

۲- توبه: ۱۰۳.

۳- روم: ۳۹؛ نمل: ۳.

بنابراین، جمعبندی جواب این میشود که آیههای بسیار درباره زکات مصطلح (واجب) در قرآن وجود ندارد و بر فرض که این گونه باشد، برای دفاع از حقوق عموم مردم و ترجیح دادن حقوق آنها بر حقوق شخصی و خانوادگی بوده است؛ به علاوه آنکه صرف بسیار بودن آیه بر اهمیت بیشتر زکات بر خمس دلالت ندارد.

۵. آیا نزول آیه خمس در جنگ بدر، نشانه اختصاص خمس به غنیمت های جنگی نیست؟

عالمان و مفسران مذهبهای مختلف اتفاق نظر دارند که شأن نزول آیه نمیتواند مخصّص آیات باشد و معنای آیه، دائمی است. بنابراین، در آیه خمس نیز حکم، معلَّق بر غنیمت است و غنیمت هم به حسب لغت، هر فایدهای را شامل میشود. اگر قرار باشد که مورد و شأن نزول آیه، مخصِّص آیه باشد، پس خمس تنها در مورد غنیمت های جنگ بدر خواهد بود و شامل دیگر غنیمت های جنگی نخواهد شد، درحالی که هیچ عالمی، چنین حرفی را برنمی تابد.

۶. اگر خمس به درآمدها و کسب نیز تعلق گرفته است و به غنیمت های جنگی اختصاص ندارد، چرا در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، آن حضرت کسانی را برای جمعآوری خمس به قبیلهها و ناحیههای اطراف نمی فرستاد چنانکه در مورد زکات، افرادی را برای جمعآوری، فرستاده بود؟

همانطور که گفتیم، لفظ «غنیمت» در آیه عام است و شامل هر درآمدی می شود و روایت هایی را در تأیید آن آوردیم، بنابراین، دسترسی

ص:۷۲

نداشتن به شاهدهای تاریخی، به استدلال ضرری نمی زند؛ زیرا مسلّم است که همه آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده و عمل کرده، به دست ما نرسیده است؛ چرا که دستهایی درصدد بودند تا سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نابود و اهل بیت علیهم السلام را از حقوقشان محروم کنند.

بااین حال، در تاریخ، مواردی ثبت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را برای جمعآوری خمس انتخاب و روانه کرده است؛ از جمله حضرت، عمرو بن حزم را به یمن فرستاد و ضمن بیان دستورالعملی، گرفتن خمس را نیز به او دستور داد که متن آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم

هذا بیانٌ من الله و رسوله یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود. عهدٌ من محمد النبی رسول الله لعمرو بن حزم حین بعثه الی الیمن و اَمَره بتقوی الله فی امره کله. و اَمَرَه اَن یأخذ من المغانم خمسَ الله.(۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان

این بیانی است از خدا و رسولش؛ ای کسانی که ایمان آوردهاید، عقدها را وفا کنید. این عهدی است از محمد نبی خدا صلی الله علیه و آله به عمرو بن حزم، هنگامی که به یمن میرود و او را به تقوای الهی در تمامی کارها امر میکند او را امر می کند که از غنیمت ها، خمس بگیرد.

در این دستورالعمل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور میدهد که خمس را از مردم یمن بگیرد، درحالی که جنگی در میان نبود. اگر جنگی

ص:۷۳

۱- کتاب الخمس، ص۱۰۷، به نقل از: فتوح البلدان، ج۱، ص۸۴؛ عبدالملک بن هشام، سیره ابن هشام، ج۴، ص۵۹۵.

در میان بود، میبایست دستور به جهاد داده میشد، درحالی که دستور به تقسیم غنیمتها داده است؛ زیرا تقسیم غنیمت ها از فروع جهاد است. بنابراین، روشن میشود که جهادی در کار نبوده است، ولی پیامبر به جمعآوری خمس دستور داده است که نشان می دهد خمس درآمد و کسب یا گنج و معدنی و... مراد است.

۷. در برخی از روایتهایی که از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده، آمده است که آنها خمس را بر شیعیانشان بخشیدهاند و استفاده از خمس را برای آنها حلال کردهاند. چرا علمای اسلام به این روایتها توجه ندارند و پرداخت خمس را واجب میدانند؟

امام خمینی رحمه الله در کتاب کشف اسرار به این سؤال پاسخ داده است که مضمون آن چنین است:

پرداخت خمس بر حسب آیه ۴۱ سوره انفال واجب شده است و امام علیه السلام نمیتواند قانون الهی را برای همیشه باطل کند. امام در واقع شارح قانون است و ناسخ نیست؛ بنابراین بخششی که در روایتها آمده، مربوط به زمان خود امام علیه السلام بوده است و به زمانهای بعد سرایت نمیکند. شاهد بر این مدعا این است که اگر امامی خمس را بخشیده، امامان بعد از او خمس را میگرفتند و کسانی را که خمس نمیدادند، وعده جهنم میدادند؛ چطور میشود امامی خمس را ببخشد و امام بعدی نبخشد.

همچنان که از روایتها استفاده می شود که بخشش خمس درباره درآمد خود شیعیان نبوده است؛ بلکه این بخشش درباره مالی است که به

دست شیعیان افتاده است و دیگران خمس آن را نداده اند.(۱)

فصل هشتم: داستانهای خمس

اشاره

ص:۷۵

۱- روح الله موسوی خمینی، کشف اسرار، صص ۲۶۸ و ۲۶۹، با تصرف و نقل به مضمون.

فصل هشتم: داستانهای خمس

زیر فصل ها

شبکه مخفی

عنایت ویژه

خمس، حافظ مسلمانان

اعتراض مادر شیخ انصاری

شیخ انصاری و مادرش

وجوه شرعی در نظر شیخ انصاری

چادرشب

زهد علامه طباطبایی رحمه الله

آیت الله سید محمد باقردُرچهای

بر ما منتی ندارید

توجه امام زمان[به پرداخت کننده خمس

شبکه مخفی

شبکه مخفی

برخی ائمه علیهم السلام از جمله امام حسن عسکری و امام هادی علیهما السلام به دلیل فشار حکومتهای وقت، زیر نظر دولت بودند و ارتباط شیعیان با آنها به سختی صورت میگرفت. با این حال، شیعیان مخلص به صورتهای مختلف، سعی میکردند با امام خود تماس بگیرند و مال و وجوه شرعی را به دست ایشان برسانند. از جمله در مورد یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام به نام عثمان بن سعید عَمْری آمده است که شیعیان هر گاه میخواستند مال و حقوق واجب خود، از جمله خمس را به امام عسکری علیه السلام برسانند، آنها را نزد عثمان بن سعید میفرستادند و او به دلیل تقیه، خود را به شکل روغن فروش (سمّان) درمیآورد. پس مالها را در خیک روغن می گذاشت و به امام میرساند.(۱)

عنایت ویژه

عنایت ویژه

شیعیان نیشابور از بین خود، شخصـی به نام محمد بن علی نیشابوری را انتخاب کردند و سی هزار دینار، پنجاه هزار درهم و دو هزار پارچه جامه به او دادند

ص:۷۶

۱- نک: محمدجواد طبسی، با خورشید سامرا، ص۳۰۶.

تا برای امام موسیکاظم علیه السلام به عنوان خمس ببرد. «شطیطه» نیز که زنی مؤمن بود، یک درهم پول و مقداری کلاف نخ به او داد و از کمی آن عذرخواهی کرد.

علی بن محمد نیشابوری آنها را به امام کاظم علیه السلام رساند. امام تمامی اموال را رد کرد؛(۱) تنها یک درهم و کلاف شطیطه را قبول کرد و به علی بن محمد نیشابوری گفت: «سلام مرا به آن زن برسان و این چهل درهم و این پارچه را که از کفن خودم هست، به او بده و بگو چند روز دیگر بیشتر زنده نیست، ولی همین که از دنیا رفت، من برای نماز بر جنازه او، به نیشابور خواهم آمد.(۲)

خمس، حافظ مسلمانان

خمس، حافظ مسلمانان

در زمانی که مسلمانان در اسپانیا حضور داشتند، به پیروی از مذهب حنفی (اهل سنت) به واجب بودن خمس در معادن و غنیمت ها معتقد بودند و ازاین رو، کار و فعالیت بسیاری در معادن انجام میدادند تا بتوانند خمس آن را پرداخت کنند.

مسیحیان، پس از تصرف اسپانیا، با تعصب فراوان به لغو قوانین اسلامی پرداختند و مسلمانان را مجبور به ترک اسلام یا ترک اسپانیا کردند، ولی ناگهان متوجه شدند که بر اثر لغو قوانین اقتصادی اسلام، به ویژه قانون خمس و اخراج مسلمانان، وضع اقتصادی مملکت سخت دچار بحران شده و تولید بسیار کاهش یافته است. ناچار برای ادامه حیات

۱- زیرا صاحبان آنها از مذهب حق برگشته، مذهب فطحی انتخاب کرده بودند.

۲- نک: خمس و زکات، ص ۳۶؛ منتهی الآمال، ج۲، صص ۳۶۰ و ۳۶۱، با اندکی تصرف.

خود، به قوانین اقتصاد اسلامی پناه بردند و قانون خمس را به مرحله اجرا درآوردند؛ اما به جای «خمس امام» آن را «خمس پادشاه» خواندند.

سرانجام، کمک اساسی مسلمانان اسپانیا از راه خمس و تولید بیشتر، گذشته از رونق اقتصادی اسپانیا سبب شد که بسیاری از نجبای آراگون و والنسیا، از مسلمانان حمایت کنند و جوامع مسلمانان در شهر، تا حدودی دست نخورده باقی بماند و مردم بتوانند دین اسلام را حفظ کنند.(۱)

اعتراض مادر شیخ انصاری

اعتراض مادر شیخ انصاری

شیخ انصاری برادری به نام شیخ منصور داشت که از دانشمندان بزرگ و جلیل القدر بود، ولی بسیار تنگ دست و فقیر.

روزی مادر وی به حالش دلسوزی کرد و به برادر بزرگ ترش، شیخ انصاری که در آن هنگام، یگانه مرجع شیعه بود، گله کرد و زبان به اعتراض گشود و چنین گفت: تو میدانی که برادرت منصور با این خرج سنگین، در شدت فقر به سر میبرد و ماهانهای که به او میدهی، احتیاجهای او را رفع نمیکند؛ در صورتی که این همه مال، تحت تصرف توست و میتوانی به او بیش از دیگران کمک کنی.

شیخ به دقت به سخنان مادر گوش فرا داد و هنگامی که سخنش به پایان رسید، کلید اتاقی را که وجوه شرعی در آن بود، تحویل مادر داد و خطاب به وی، با لحنی مؤدبانه و خاضعانه، چنین اظهار کرد: «مادر! بیا این کلید را بگیر و هر چه پول برای منصور میخواهی بردار؛ به شرط اینکه در عوض آن، من مسئولیتی نداشته باشم و وبال آن بر دوش خودت باشد و

۱- نک: عبدالکریم بی آزار شیرازی، رساله نوین، ج ۲، صص ۱۰۱و۱۰۲.

تو آن را تحمل کنی! این اموالی که نزد من است، حقوق فقیران و مستمندان است و بین آنـان به طور مساوی، تقسیم میشود؛ همه تنگ دستان مانند دندانههای شانه یکسان هستند و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارند.

مـادرم! اگر جـوابی برای فردای قیـامت ــ برای این مبلغ اضـافی که برای منصور برمیـداری ــ داری، هر چه می خواهی، انجـام بده، ولی بدان که حسابی بسیار دقیق، سخت، هولناک و بدون کمترین مسامحه در پیش است».

مادر شیخ ــ که عنصر تقوا و فضیلت و خداترسی بود ــ هنگامی که این جملات را شنید، از خوف خداوند، لرزه بر اندامش افتـاد و از گفته خویش، توبه کرد و درحالی که کلیـد را به فرزنـد تقـدیم میکرد، از او پوزش طلبیـد و مسـتمندی منصور را به فراموشی سپرد.(۱)

شیخ انصاری و مادرش

شیخ انصاری و مادرش

عـادت شـیخ انصـاری این بود که در بازگشت از مجلس تـدریس، ابتـدا نزد مادر میآمـد و برای دل جویی از آن پیرزن، با وی گفت وگو میکرد و از اوضاع زنـدگی مردم پیشـین میپرسـید و مزاح میکرد تا مادر را بخندانـد. سـپس به اتاق مطالعه و عبادت خود میرفت.

روزی شیخ به مادر گفت: دوران کودکیام را به یاد داری که مشغول علوم مقدماتی بودم و مرا برای انجام دادن کارهای منزل، به این سو و آن

۱- نک: رضا مختاری، سیمای فرزانگان، صص ۴۲۷ و ۴۲۸، به نقل از: المکاسب، ج۱، صص۲۵و۲۶، مقدمه، تصحیح و تعلیق کلانتر.

سو میفرستادی، ولی من پس از فراغت از درس و مباحثه، آنها را انجام میدادم و به منزل میآمدم و تو خشمگین میشدی و میگفتی: «اجاقم کور است»؟(۱) اکنون هم اجاقت کور است؟

مادر از روی مزاح گفت: «بله، اکنون هم، چنین است؛ زیرا آن موقع، به کارهای منزل نمیرسیدی و اکنون هم که به مقامی رسیدهای، به سبب احتیاط بسیاری که در صرف وجوه شرعی میکنی، ما را تحت فشار قرار دادهای».(۲)

وجوه شرعی در نظر شیخ انصاری

وجوه شرعی در نظر شیخ انصاری

در دوران رهبری شیخ انصاری رحمه الله و هنگامی که سیل حقوق شرعی از اطراف جهان تشیع، به سوی او سرازیر بود، خانواده شیخ در وضع سختی به سر میبردند و از نظر اقتصادی در تنگنا بودند؛ زیرا شیخ برای هزینه منزل، مبلغ ناچیزی اختصاص داده بود که کافی نبود.

خانواده، پیش یکی از علما ــ که نزد شیخ از احترام و منزلتی برخوردار بود ــ از کمی مقرری خود شکایت کردند و از او خواستند تا در این باره، با شیخ گفت وگو کند که اندکی بر مقرری افزوده شود تا بتوانند از عهده هزینه ضروری منزل برآیند.

آن عالم ــ که در این امر واسطه بود ــ خدمت شیخ شرفیاب شد و جریان را گفت و خواسته خانواده را بیان کرد. شیخ به سخنان وی، به طور

ص:۸۰

۱- این جمله بین مردم برخی شهرها از جمله دزفول، معروف است و هنگام خشم به فرزند آن را به کار می برند. کنایه از اینکه با این کج رفتاری، گویا فرزندی ندارم. («زندگانی و شخصیت شیخ»، ص۵۹)؛ «اجاقش کور است»: فرزند ندارد، (فرهنگ معین).

۲- نک: سیمای فرزانگان، ص۴۲۸.

کامل گوش فرا داد، ولی هیچ پاسخی نداد.

روز بعد، وقتی شیخ به منزل آمد، به همسرش فرمود: «لباسهای مرا شست وشو ده و آبهای چرکین آنها را نگهدار و دور مریز.» همسر وظیفه شناس و متدین، خیلی سریع فرموده شیخ را انجام داد و نزد شیخ آمد.

شیخ انصاری فرمود: «آبهای چرکین را بیاور.» وقتی که آورد، خطاب به همسر فرمود: «بنوش».

ـ بنوشم؟! این چه امری است؟ اینها مورد تنفر طبع است و عاقل چنین نمیکند!

ـ پس، ژرف بنگر و نیک گوش دار؛ این مالهایی که نزد من است، در نظرم مانند همین آب چرکین است. همانگونه که تو نمیتوانی و نمیخواهی از این آب بنوشی، من هم حق ندارم و برایم جایز نیست به شما بیش از آنچه اکنون میدهم، بپردازم؛ زیرا این اموال، حقوق فقراست و شما با دیگر مستمندان در نظرم یکسانید.(۱)

چادرشب

چادرشب

آوردهاند که روزی همسر شیخ انصاری رحمه الله از او خواهش کرد تا چادرشبی(۲) برای پوشانیدن رخت خوابهای منزل خریداری کند. شیخ به دلیل تقوا و ورع بالا، به این کار تن نداد. همسر شیخ که از نمایان بودن رخت خوابها در گوشه اتاق، در برابر دوستان، ناراحت بود، پس از مأیوس شدن از جلب موافقت شیخ، در خرید گوشت صرفه جویی کرد و

۱- نک: همان، ص ۴۲۹.

۲- چادرشب: چادر بزرگ که رخت خواب را در آن پیچند (فرهنگ معین).

بـه جـای سـه سـیر گـوشت، تـا مـدتی دو سـیر و نیم خریـداری کرد و از «مابهالتفـاوتی» که از این راه ذخیره شـد، یـک عـدد، چادرشب خرید.

وقتی شـیخ چادرشب را در منزل دید و بر شیوه خرید آن واقف شد، با ناراحتی تمام، گفت: «ای وای که تا به حال، مقداری از وجوه بیت المال بیجهت مصرف شده است؛ من خیال میکردم سه سیر گوشت، حداقلی است که ما میتوانیم با آن زندگی کنیم و اکنون به نادرستی این پندار، پی بردم».

آنگـاه شـیخ دسـتور داد که چـادرشب را پس بدهنـد و از آن روز به بعـد، به جـای سه سـیر گوشت، دو سـیر و نیم خریـداری کنند.(۱)

زهد علامه طباطبایی رحمه الله

زهد علامه طباطبایی رحمه الله

یکی از شاگردان علامه، درباره وضع معیشت ایشان مینویسد:

ممرّ معـاش ایشـان و برادرشـان از کودکی، منحصـر بود به یـک قطعه زمین زراعی در قریه شادآبـاد تبریز بود که از نیاکان، به عنوان ارث، منتقل شده بود.

علامه میفرمودند: «این ملک، ۲۷۰ سال است که ملک طلق آبا و اجـداد ما بوده است و یگانه وسـیله ارتزاق، از راه کشاورزی است» و اگر مورد غصب و تعدی واقع میشد، بهکلی رشته معاش ایشان، گسسته میشد و در مضیقه واقع میشدند».

ایشان به هیـچ وجه سـهم امام قبول نمیکردنـد و معلوم است که در صورت فقـدان منافع فلاحت و زراعت که عایـدشان میشد، وضع معیشت وی، از یک طلبه ساده هم پایینتر میبود؛ چون آن طلبه، اگرچه از وطنش برایش مقرری نرسد، لااقل از سـهم امام استفاده

۱- نک: همان، ص ۴۳۰.

میکند. تازه آن منافع کشاورزی هم، در صورت وصول، فقط به اندازه تأمین احتیاجات ضروری زندگی، با نهایت صرفهجویی و قناعت بود.(۱)

آیت الله سید محمد باقردُرچهای

آیت الله سید محمد باقردُرچهای

مرحوم همایی درباره استاد خود، آیت الله سید محمدباقر دُرچهای چنین میگوید:

آن بزرگ، در علم و ورع و تقوا آیتی عظیم و به حقیقت جانشین پیغمبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام بود. در سادگی و صفای روح و بی اعتنایی به امور دنیوی، گویی فرشتهای بود که از عرش به فرش فرود آمده و برای تربیت خلایق با ایشان هم نشین شده است. مکرر دیدم که سهم امامهای کلان، برای او آوردند و دیناری نپذیرفت؛ با اینکه میدانستم که بیش از چهار پنج شاهی پول سیاه نداشت. وقتی سبب میپرسیدم، میفرمود: «من فعلاً بحمدالله مقروض نیستم و خرجی فردای خود را هم دارم و معلوم نیست که فردا و پس فردا چه پیش بیاید «و ما تَدْری نفسٌ ماذا تکسِب غداَ.» بنابراین اگر سهم امام را بپذیرم، ممکن است حقوق فقرا تضییع شود.

گاهی دیدم چهارصد پانصد تومان که به پول امروزی، چهارصد پانصد هزار تومان بود، برایش سهم امام آوردند و بیش از چند ریال که مقروض بود، قبول نکرد.(۲)

بر ما منتی ندارید

۱- نک: همان، ص ۴۳۵.

۲- نک: همان، ص ۴۳۷.

بر ما منتی ندارید

«یکی از تجار ایرانی، مبلغی سنگین به عنوان وجوه شرعی در نجف به خدمت حضرت امام آورده بود.

ضمن تقدیم وجه، گویی بر اثر بدآموزی دیگران و ضعف ایمان، از موضع کسی که از پول هنگفتی دل کنده و امتیاز آن را به دیگری اعطا کرده [باشد]، درخواست کرد که حضرت امام، به اصطلاح، تخفیفی برایش بدهند و خمس اتومبیلش را _ که خمس به آن تعلق گرفته بود _ از او نگیرند. حضرت امام تمام وجه را جلوی او گذاشته و فرمودند:

«بردار و برو. شما گمان میکنید، حالا ـ که این پول را اینجا آوردهاید، منتی بر ما دارید؟ خیر، این ما هستیم که بر شما منت داریم؛ چرا که با پرداخت آن و قبول ما، شما برئ الذمّه میشوید و تازه اول مسئولیت ماست...».(۱)

توجه امام زمان[به پرداخت کننده خمس

توجه امام زمان[به پرداخت کننده خمس

داستان مربوط به حاج علی بغدادی است که مشمول لطف و محبت امام زمان[قرار می گیرد.

حاج علی بغدادی، یکی از تاجران بغداد، نقل می کند که: در ذمه من هشتاد تومان مال امام زمان علیه السلام (به عنوان خمس) جمع شد. پس به نجف اشرف رفتم و بیست تومان آن را به جناب شیخ مرتضی انصاری و بیست تومان را به شیخ محمد حسین کاظمینی و بیست تومان را به جناب شیخ محمد حسن شروقی دادم. و در ذمه من بیست تومان باقی ماند که

۱- نک: محمدحسن رحیمیان، در سایه آفتاب، ص ۷۸.

قصد داشتم هنگام برگشتن، آن را به شیخ محمد کاظمینی آل یاسین بدهم. از بغداد که برگشتم، دوست داشتم در ادای باقی مانده تعجیل کنم. روز پنج شنبه بود پس از آنکه به زیارت امام کاظم و امام جواد علیهما السلام در کاظمین مشرّف شدم، به خدمت جناب شیخ محمدحسین کاظمینی رفتم و قدری از آن بیست تومان را به ایشان دادم و باقی را وعده کردم که وقتی دیگر بدهم. سپس به بغداد برگشتم. یک سوم از راه را که رفتم سیدجلیلی را دیدم که از سمت بغداد به سوی کاظمین می آمد. چون نزدیک شد، سلام کرد و دست های خود را برای روبوسی گشود و فرمود: «اهلاً و سهلاً» و مرا در بغل گرفت و هر دو یکدیگر را بوسیدیم. بر سر، عمامه سبز روشنی داشت و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود. پس ایستاد و فرمود: حاج علی، خیر است، به کجا می روی؟ گفتم: کاظمین را زیارت کردم و به بغداد برمی گردم. فرمود: امشب شب جمعه است، برگرد. گفتم: یا سیدی، متمکن نیستم. فرمود: هستی برگرد تا شهادت دهم برای تو که از موالیان و دوستداران جدّ من امیرمؤمنان علی علیه السلام و از دوستداران مایی و شیخ هم شهادت دهد؛ زیرا که خدا امر فرموده: دو شاهد بگیرید (و این اشاره به مطلبی بود که در خاطر داشتم از جناب شیخ کاظمینی خواهش کنم، نوشته ای به من دهد که من از دوستداران اهل بیت علیهم السلام هستم و آن را در کفن خود بگذارم). حاج علی بغدادی می گوید: گفتم تو چه می دانی و چگونه شهادت می دهی؟ فرمود: کسی که حق او را به او می رساند، چگونه آن رساننده خمس را نمی شناسد؛ گفتم: چه حقی؟ فرمود: آنچه رساندی به وکیل من. گفتم: وکیل تو کیست؟ فرمود: محمد حسن. گفتم: او وکیل شماست؟ فرمود: آری او وکیل من است.

بـا خود گفتم که این سـید جلیل مرا به اسم خوانـد با آنکه او را نمی شـناسم، پس شایـد او مرا می شـناسد و من او را فراموش کردم. باز با خود گفتم که این سـید از حق سادات، از من چیزی می خواهد و خوش دارم که از مال امام علیه السـلام چیزی به او برسانم. پس گفتم: ای سید در نزد من از حق شـما چیزی مانـده بود، پس به نزد جناب شـیخ کاظمینی بر گشـتم تا حق شـما سـادات را به اذن او ادا کنم. او نیز در روی من تبسـمی کرد و فرمـود: آری، بعضـی از حق مـا را به سوی وکلای مـا در نجف اشـرف رسانـدی. حاج علی بغـدادی می گوید: گفتم آنچه ادا کردم، قبول شد؟ فرمود: آری. ... (هنوز هم امام علیه السـلام را نمی شناخت).

آنگاه حضرت فرمود: حاج علی، بر گرد جدم را زیارت کن. پس بر گشتم و دست راست او در دست چپ من بود. چون به راه افتادم، دیـدم در طرف راست ما نهر آب سـفید صافی جاری است و درختان لیمو و نارنـج، انار و انگور و غیر آن همه در یک وقت، با آنکه موسم همه آن میوه ها نبود، بر بالای سر ما سایه انداخته بودند.

گفتم: این نهر و این درخت ها چیست؟ فرمود: هر کس از دوستداران ما که جدّ ما را زیارت کند، اینها با او هست... .(۱)

آری این است پاداش نیکو از امام معصوم علیه السلام برای کسی که حساب مال خود را می کند و خمس آن را می پردازد.

کتاب نامه

ص:۸۶

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، صص ۷۳۸ ـ ۷۴۰؛ خمس نخستین زیربنای اقتصادی اسلام، صص ۸۴ ـ ۸۶.

کتاب نامه

 قرآن کریم.

 نهج البلاغه.

برزنجی، صباح، «بررسی تطبیقی آیه خمس»، مجله مقالات و بررسی ها.

بیآزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۴.

تقوی، سید رضا، مالیات در نظام اسلامی، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ . ق.

دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، خمس، چالشها و راهکارها، قم، مؤسسه بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۶.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

رحیمیان، محمدحسن، در سایه آفتاب، قم، مؤسسه فرهنگی پاسدار اسلام.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، مَن لا یحضره الفقیه،

ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۷.

ــــــــــــــــــــــــ ، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ .ق.

شیخ مفید، امالی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ .ق.

طبسی، محمدجواد، با خورشید سامرا، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ خورشیدی.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سیام، ۱۳۸۳.

فاضل لنکرانی، محمد، الخمس و الانفال، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام ، ۱۴۲۳ هـ .ق.

قرائتی، محسن، خمس و زکات، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ ششم، ۱۳۸۷.

قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، قم، انتشارات هجرت، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.

ــــــــــــــــــــــــ ، مفاتیح الجنان، قم، انتشارات روحانی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

ماوردی، ابوالحسن البصری، الاحکام السلطانیه، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۹۰ م.

محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت،

چاپ اول.

ص:۸۸

مختاری، رضا، سیمای فرزانگان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۷.

مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بیجا، بیتا.

مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت، دارالجواد، چاپ دهم، ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.

موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه دارالعلم، چاپ اول.

__________________، توضیح المسائل (المحشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ هـ.ق.

__________________، کشف اسرار، بی جا، بینا، بیتا.

__________________، ولایت فقیه، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.

موسوی راد لاهیجی، سید حسین، خمس؛ نخستین زیربنای اقتصادی اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

نوری همدانی، حسین، کتاب الخمس، قم، مؤسسه مهدی موعود، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.ق.

ص:۸۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹